



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

سال ششم - شماره ۱۵۷۰

صفحه ۱

۴ شنبه ۲۱ تیر ماه ۱۳۲۹

روزنامه رسمی
مدیر: سید محمد تقی

شماره مسلسل ۴۳

دوره شانزدهم قانونگذاری

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۴۳

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه ۱۱ تیر ماه ۱۳۲۹

فهرست مطالب:

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان: جمال امامی، مکی، پیرایه
- ۳ - مذاکره در برنامه دولت آقای زرم آرا نخست وزیر
- ۴ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

* *

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بر ریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت می شود.

(شرح ذیل خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان: صفوی - اورنگ
منصف - امینی - فرامرزی - اسکندری - طباطبائی
حاذقی - دکتر راجی - حائریزاده - صدر میرحسینی
غائبین با اجازه - آقایان: دکتر مصباحزاده
عامری - قهرمان - تولیت - اکبر - دکتر سید امامی
ممدل - کاظم شببانی - جوادمسعودی

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست؟
آقای ابتهاج

ابتهاج - نسبت بمذاکرات جلسه قبل بنده

اظهاراتی داشتم و میخواستم از ماده ۹۰ استفاده کنم ولی میخواستم اجازه بفرمایند که این اجازه محفوظ بماند و مو کول بفرمایند بعد از خاتمه برنامه.

رئیس - بسیار خوب. آقای شوشتری.

شوشتری - در توضیح مختصری که آنروز بنده داشتم این عیازت را عرض کردم بعنوان اعتراض که سؤالات من راجع به پول نفت و اراضی اطراف تهران هنوز بدولت تازه فرستاده نشده اینها از من حذف شده چون اینها مهم است باید ضمیمه شود راجع باراضی اطراف تهران سؤالی کردم و راجع به پولی که ملت ایران در سال بابت سوخت به نفت جنوب میدهد.

رئیس - اصلاح میشود. دیگر نظری نسبت

بصورت مجلس نیست (گفته شد: خیر) صورت مجلس تصویب شد.

۲ - بیانات قبل از دستور آقایان:

جمال امامی، مکی، پیرایه

رئیس - چند نفر از آقایان اجازه نطق قبل از دستور (اجازه های جلسه قبل محفوظ ماند برای امروز) دو نفر از آقایان متصرف شدند باقی ماند آقای نصرتیان.

نصرتیان - بنده نوبتم را به آقای جمال

امامی دادم.

رئیس - آقای جمال امامی بفرمائید.

جمال امامی - بنده جلسه گذشته طبق ماده

۹۰ خواستم عرضی بکنم ولی برای امتثال امر جناب آقای

رئیس خودداری کردم البته طبق ماده ۹۰ میتوانستم مطالبم

را عرض کنم ولی آقای رئیس امر فرمودند که بنده

صرف نظر کنم و حالا بعنوان قبل از دستور عرض

خود را با اطلاع مجلس برسانم. دوسه موضوع بود که

لازم بود اینجا روشن شود چون روزهاییکه ما میگذرانیم

روز های تاریخی است و باید در تاریخ ضبط شود

گفته اشخاص هم باید در تاریخ ضبط شود یکی از

آن موضوعاتی که بنده پررئوز هم خواستم عرض کنم

نشد موضوع تعریف نطق نمایندگان است در مطبوعات

آقایان نمایندگان مطبوعات که داعیه آزادی و آزاد

منشی دارند باید متوجه باشند که اولین شرط آزادی

خواهی استقلال عقیده مخالف است و دیکتاتوری جز

این نیست که آدم نتواند تحمل عقیده مخالف را بکند

دیکتاتوری همین است شما که داعیه رهبری و مدافعه

از آزادی کردید برای باید گفته های ما را قلب نکنید،

گفته های نمایندگان را چنانکه گفته شده است در معرض

افکار عمومی بگذارید تا افکار عمومی قضاوت بکند

و اگر اینطور نکند معلوم می شود باک دارند از

اینکه حقایق را در روزنامه هایشان منعکس کنند. در

• همین مذاکرات مشروح چهار رسوین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

«اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس»

اینجا بنده وارد نمایش بعضی از روزنامه ها نمی نویسم وقت مجلس را میخواهم بگیرم بمقتدر عرض میکنم که این موضوع آتقدیر اهمیت دارد که بالاچار روزی باید از طریق عادی حل شود و اگر از طریق عادی حل نشود، توجه بفرمائید وقتی عرض میکنم از طریق غیر عادی شما هم یقین بامن همصدا خواهید بود، عرض میکنم از طریق غیر عادی باین منظور که بشر از پسو تشکیلات تاریخش تمام سازمان و تشکیلاتی را که داده است تا با امروز باین شکل درآمده برای این بوده است که افراد مصونیت جانی و مالی و ناموسی و عرضی داشته باشند (صحیح است) و اگر تشکیلات و سازمانی نه تنها تأمین نکند این علائق بشر را بلکه در مورد تعرض بگذارد آن بشر آن تشکیلات را میخواهد و تصدیق بفرمائید آقایان چه میکند؟ اگر نتوانستند بالا اجتماع و اگر نتوانستند انفرادی بر علیه آن تشکیلات قیام میکنند و مصاب هم هستند اینکه عرض کردم غیر عادی برای این است که اگر مستاصل شدند، مرجعی نداشتند دادگستری برایشان نرسید میروند خودشان دادخواهی میکنند چون بشر همه چیز را برای حیثیت خودش میخواهد این را آقایان مطبوعات در نظر داشته باشند که فعاشی و نهمت رژیم دموکراسی را بر می چینه، عرض کنم آقای دکتر بقائی در روزنامه شاهد مقاله ای نوشته اند در قسمت اوصاف الرجال وصف بنده محقر را کرده اند و ضمناً اینجا تذکر داده اند که بنده در جلسه قبل، با ماقبل جلسه هفته گذشته برای اینکه قضیه لایحه نفت را بگذرانیم در مجلس صحنه سازی دیکتاتوری کرده ام من نمی خواهم در دستران بدهم، تصدیق بفرمائید آقایان صد نفر وکیل بودند آقایان تماشاچیان بودند بنده هر چه فشار آوردم که بیاید آقایان رد لایحه نفت را امضاء کنیم زیر بار نرفتند (صحیح است) آنوقت رفتند در روزنامه ماشان می نویسند که من صحنه سازی میکنم برای اینکه لایحه نفت را بتصویب برسانم اینکه معنی ندارد، آخر عوام فریبی که تا این اندازه نمیشود شما آمدید این جا اظهار میکنید که ما از ملت و فراندیم کردیم ملت بر علیه لایحه نفت مارا فرستاد مجلس خوب اگر راست است من که بشما پیشنهاد کردم بیاید این را امضا بکنیم پس معلوم میشود ملت بیچاره را گول زده اید این نوشته شما آنهم گفته من، آنهم عمل آقایان در صورت حقایق افشا میشود و مکتوم نمی ماند بیاید از این طرز که این هفت، هشت، نه ساله یک عده ای وطن فروش آمدند در این مملکت رواج دادند دست بردارید این لعین مالی ها را دور بیندازید این طرز عمل مجلس نیست که یک وکیل روز نامه نویس بیاید در مقابل عامه گفته های یک نماینده ای را تعریف کند آخر این فایده اش چیست یک روزنامه ای، روزنامه منزهتیب باین آقایان کار را خیلی از حد بیرون برده وغالباً فحشهای آب نکشیده هم میدهند (کشاورز صدر - آب کشیده اش چه طور است؟) (فرامرزی - باید خواهش کرد که آب بکشید) یکی از اینها ضمن فعاشی نوشته بود که

من کبابه دستکتر مصدق میکنم بنده این جا حضور آقایان اعتراف میکنم که بنده هیچ غلطی نمیکم جناب دکتر مصدق بمقیده بنده طی طریق حقیقت را فرموده و بر حله سکون و تسکین رسیده اند، ولی من در مرحله سیر حرکت هستم، کی من همچو داعیه ای دارم که بایشان برسم من عقیده ام اینست که جامعه یا فرد باید روبرو حرکت بکند چون حرکت جامعه را رو بشکامل میبرد و مسکون بمرک، نه تنها من داعیه دکتر مصدق شدن ندارم داعیه پیروی از ایشان را هم ندارم، این آقای پروموند نیز کجاست که آمدند فرمودند دکتر مصدق پیشوای همه ماست مگر میشود همینطوری از اینها پیروی کرد وارد جبهه مقدس ملی شد، آنهم طی مدارجی لازم دارد باید شما اول امتناع و طغیانستی و آزادیخواهی و با کدمانی داده باشید تا بتوانید در آنجا وارد شوید یگروز با حزب توده همکاری کرده باشید یک روز باید برای پیشووری سینه درانی کرده باشید، یگروز باید زیر علم قوام السلطنه سینه زده باشید یگروز باید در جبهه ملی مبارزه کرده باشید و بعضیها میگویند مضافاً بر این باید یک رشته حلقه خیلی نازک و پارک و غیر مرئی هم با عمال دولت قفسیده داشته باشید تا بتوانید در جبهه ملی مبارزه کنید آنوقت وقتی این مدارج را طی فرمودید میتوانی تصدیق وجیه الهه ای بگیرد و وکیل الهه ای، آنوقت مصداق فاستم کما امرت میشود بنده همچو داعیه ای ندارم خوب بنده اینجا مدافع دولت نیستم همانطوریکه قصاص قبل از جنایت نمیکم، تعریف قبل از خدمت هم نمیکم میگویم که آقا شما اگر این رژیم را یک روزی تغلف از قانون کرده منظور از دیکتاتوری چیست منظور تغلف از قانون است اگر ایشان یگروز تغلف از قانون کرد بنده و رفقای بنده او را استیضاح خواهیم کرد (صحیح است) ولی آیا شما ها هم با ما ساز میگردید بود آنروز؟ من گمان نمیکم چون گذشته شما این امید مرا تأیید نمیکند، آنروزی که توده ایها و قوام السلطنه تمام قوانین را زیر پا گذاشته آن روزی که تمام شئون و مقدمات این مملکت زیر پا گذاشته شد، آنروز شما قیام نکردید بر علیه او و با او همکاری کردید، حالا چه میگویند، حالا چه میگویند، اگر خیال میکنید واهمه آقایان از اینست که رژیم را تغلف از قانون بکنند من بشما قول می دهم ما نمیکند ولی اگر با کتان از این است که جلو هرج و مرج و خود سری را بگیرد این راست است و اگر اینکار را نکند باز ما بر علیه او قیام می کنیم (صحیح است - احسن) آقا همه چیز که با حرف درست نمیشود، آقای مکی رفیق عزیزم به داند، بداند، بداند ما اگر یگروز دیکتاتوری داشته باشیم در این مملکت، خودمان ایجاد کرده ایم نمیدانم منتسکو است یا روس، شما بهتر از من می دانید میگویند بهترین حکومتها دموکراسی است و بدترین آنها چیست، دموکراسی بهترینشان است و بدترین آنها البته او است ولی میگویند که یک

کشاورز صدر - آقا دیگر قبل از دستور صحبت نکنند.

رئیس - چون وارد شده ایم باید صحبتشان را بکنند آقای مکی

مکی - قبل بایستی عرض کنم که بیانات آقای امامی را آن قسمتش که مربوط بجهه ملی بود، طبق ماده ۱۰۹ که ماده ۹۰ قملی است ما جواب خواهیم گفت چون مطالبی را که بنده میخواهم عرض کنم پیش بینی نکردم که ایشان یک مطالبی راجع بجهه ملی و راجع بافراد جبهه ملی خواهند گفت و بالاخره این مطالب من اهمیتش از آنها زیادتر هست اینست که با حفظ نوبت ما از استفاده از ماده ۹۰ بپوقع خود هر یک از ما جواب بیانات آقای امامی را خواهیم داد گرچه جواب ایشان را ملت ایران داده و قضاوت نهائی هم با ملت ایران است ما اگر میخواهیم هر روزی برنگی در بیاییم نه توی زندان میرفتیم نه یگروز از هرمان را بیکار میکند اندیم همیشه هم یا وزیر بجهیم یا وکیل بودیم یا نمایانم سرمشغل مهم این مملکت بودیم اما راجع بلایحه نفت که فرمودند که مادامی میکنیم طرح ایشان را، امضا نکردیم طرحی کما نمیدانم ایشان چی تهمه کرده اند چه امضائی بکنیم وانگهی یک اقلیت ۸ نفری یا ۱۰

نفری در یک مجلس کدام کاری را میتواند بکند اکثریت دارد که بیاید یک طرحی را بدهد کتدر پروزه بدهد بگوید این پروزه من که باید از تصویب بگذرد؟ ما اقلیتیم، اقلیت باید ایتاد بکند ولی هر روزی که اکثریت شدیم کتدر پروزه نفت را هم داریم و هر روزی که دستمان برسد ملیش میکنیم نفت را و یک کلام هم راجع به حکومت دیکتاتوری فرمودند کجرا ما از آن می ترسیم، تمام آنچه را که ما گفتیم و پیش بینی کردیم کم کم دارد عملاً مشاهده میشود، ایشان از روسویک چیزی فرمودند منتسکو بیک چیز بگری می گویند میگویند بدترین حکومتها آن حکومتی است که مظالم و جنایات خودش را در لباس قانون بخواد بیک جامعه ای تحمیل کند و من همیناً همان بیان منتسکو را در حکومت قملی می بینم که بنام قانون میخواهد بزرگترین مظالمش را بملت ایران تحمیل بکند و اما عرایضی را که بنده میخواهم بعنوان قبل از دستور بسم آقایان نمایندگان برسانم و توجه آقایان نمایندگان را میخواهم جلب بکنم ب حفظ حقوق اقلیت در پارلمان، همیشه در تمام پارلمانهای دنیا حقوق اقلیت را اکثریت حفظ میکند در مجلس انگلستان اگر یک نماینده اقلیت بخواهد استیضاح کند تمام اکثریت پای استیضاح او را امضا میکنند و میگویند نباید از اقتاد و کرویتیک اقلیت جلو گیری کرد چون بکنند نمیتواند در انگلستان استیضاح کند تمام اکثریت با اتفاق امضا میکنند، این برای احترام حقوق اقلیت است در جلسه سه شنبه و قایمی در این مجلس اتفاق افتاد که خیلی اسباب تأسف است ولی خواهم خاطر آقایان نمایندگان اکثریت را باین موضوع جلب کرده باشم که حفظ حقوق اقلیت با اکثریت مجلس است حفظ انتظام داخلی مجلس با مقام ریاست مجلس شورای ملی است (صحیح است) هیچ مقامی حق ندارد از توی مجلس افرادی را بدون این که از مقام ریاست مجلس کسب اجازه کند، از اینجا بیکر بشهر بانی ببرد یا همان او را، دندانهایش را بشکند و دهانش را خرد کند اینها بی اعتباری بقانون است ما قانون داریم برای اینکار که حفظ انتظامات داخلی مجلس باشخص رئیس مجلس است آقای سرتیب قدرتی در حفظ انتظام داخلی مجلس هیچکاره است و حق ندارد، اگر دخالت کرده باشد برخلاف قانون کرده و قابل تعقیب است، اینست که بنده برای اینکه مطالب را کوتاه کرده باشم روی یک یادداشتی نوشته ام که بسم آقایان برسانم آقایان نمایندگان محترم تصدیق می فرمائید وقتی که یک حکومتی که در ظرف چند ساعت تمام پستهای حساس را به دست عوامل نظامی خود بسازد و بعد متشبث به چاقو کش و اشرار مسلح حتی در داخله مجلس شورای ملی بشود دیگر برای اقلیت چاره جز پیراهن دریدن نیست ما کمال علاقه را بحفظ نظم و امنیت عمومی داشته و هیچ گاه از اصول هرج و مرج و چاقو کشی و ترور بازی تقویت نکرد و نخواهیم کرد ما معتقد به حکومت قانون هستیم این اصول را دشمن آزادی و دشمن حکومت قانون میدانیم و میل داریم در نقش

اقلیت صمیمانه بدانچه بخواهد صلاح ملک و ملت است عمل نمائیم.

وضع غیر عادی جلسه روز سه شنبه و جلسه پریروز مجلس بقدری وحشت آور و اسباب تعریک اعصاب بود که واقفاً هیچ فرد وطن پرستی نمی توانست اجازه دهد روز اول حکومتی کمد می تأمین و نظم انضباط است یک چنین اعمال نفرت انگیز مرتکب گردد. از آقایان مخبرین محترم جراید پیرسید که آیا می توانستند بدون زحمت بدون لگد بدون هتاکی افرادی که در رکاب پیشووری هم مشیر میکشیدند و امروز صاف اول هواخواهان حکومت آقای رزم آراه را تشکیل میدهند انجام وظیفه کنند الان جناب آقای رئیس بفرستند آن جا ببینند چند نفر در لژ مطبوعات هستند که اینها عضو مطبوعات نیستند و همه شان هم مساجد الان بنده میبینم که چند نفر کار آگاه آنها هستند بنده آنها را میشناسم. حتی بقدری نظم و انضباط را جناب آقای رئیس مجلس در داخله مجلس تأمین فرموده بودند که یکی دوتن از مخبرین اظهار میداشتند که جیب آنها را زده بودند، حالا تصور فرمائید وقتی در قسمت لژ مطبوعات جیب روزنامه نویس را بزنند تکلیف مردم بیگناه و معصوم خارج روشن است (اشاره صادقی - رئیس مجلس چه مربوط است آقای مکی؟) فقط نظم پارلیمن است، انتظامات داخلی با مقام ریاست است (شوشتری - آقای مکی توی حرم حضرت رضا بجهم هر شب دزدی میشود پس مربوط بخداست؟ توی مکه هم دزدی میشود) مقام ریاست اگر اجازه ندهند از آن در غیر از مخبرین جراید کسی بیاید اینطور نمیشود، لژ مطبوعات یک در بیشتر ندارد خود مأمورین بازرسی با حضور جناب آقای دکتر مصدق گفتند چند نفر مسلح آمدند و ما هم جرأت نکردیم حرفی بزنیم، اسامی اعضاء بازرسی را هم بنده بگویم

شوشتری - اگر بازرسی انجام وظیفه نکرده است بر رئیس مجلس چه ربطی داد؟

رئیس - آقای مکی بیاینجا بیایید بفرمائید

مکی - جناب آقای رئیس شما روی صندلی مردی نشسته اید که یگروز وقتی مجلس را طرفداران حکومت سردار سیه میخواهند بروز جلسه روز سه شنبه بیندازند او را احضار کرده و گفت حفظ انتظامات داخله مجلس با رئیس مجلس است میخواهی بگویم سید محمود زنک را بزند و تکلیف تو را روشن کنم، آقای رئیس شما جای مؤتمن الملک نشسته اید (نورالدین امامی - اینهم مؤتمن الملک است) و نباید اجازه بفرمائید که در محوطه پارلمان یعنی جائی که فقط قانون از آن بر میخیزد و نتیجه و خونبهای مشروطیت است یک چنین افرادید نام مشکوک فرصت چاقو کشی و تعریک پیدا کنند در جلسه سه شنبه موافقین آنچنانی دولت اجازه داشتند بفریاد زنده باد مرده باد بکشند بد بگویند با اقلیت نفس و ناسزا بدهند ولی وقتی که یک جوان احساس که صرفاً بمظهور وطن پرستی یک کلمه حرف زده است دهان او را خرد کرده اند دندانهائی او را

شکسته اند و بعد عرض اینکه او را بگارد مجلس تعویب بدهند از همین جا بیکر بشهر بانی برده محبوس کرده اند (خبرو شفقانی کی بود مرخصش کردند)

بنده خواستم این مطالب را در مجلس شورای ملی عرض کرده باشم که هر چه صحبت میان اقلیت و اکثریت بشود مربوط بمصالح مملکت است.

تماشاچیان کتدر سابقه دارد که نظم مجلس را مختل کنند و وارد در مباحثات آقایان نمایندگان بشوند (صحیح است) این کار البته برخلاف نظام نامه است و همان طوریکه عرض کردم این عمل بهیچ وجه مربوط به مخبرین و تماشاچیان نبوده و مربوط به چاقو کشانی بوده که صبح مزد و دستور خود را گرفته و در داخل مجلس تقسیم شده بودند و مامی خواستیم عصر همانروز بمجلس شورای ملی متحصن شویم و شرحی به آقای رئیس عرض کنیم که اگر این ترتیب وجود داشته باشند و حتی حیات اقلیت در مرکز نقل قانون اساس در خطر باشد ما بهیچ وجه نخواهیم توانست وظیفه سنگین و مشکلی را که در برابر ملت ایران بعهده گرفته ایم و آن عبارت از حفظ آزادی و قانون اساسی و مشروطیت ایران است بانجام برسانیم، نظم داخلی مجلس فقط با رئیس مجلس است و ایشان باید دستور جلب و توقیف و اخراج اشخاص محل نظم را بدهند رئیس شهر بانی آنچه حق دارد اشخاص را از داخله مجلس بگیرد و بزدان بفرستند بحکم چه کسی این کار را کرده کدام قانون اجازه داده که رئیس شهر بانو در داخله مجلس اشخاص را توقیف کند اکنون اگر بازرسی شود افراد بسیار زیادی در بین تماشاچیان یافت میشود که با اسلحه کمری حضور دارند مگر نظام نامه مجلس ورود اشخاص با اسلحه را منع نکرده است؟

یک توضیح مختصری عرض میکنم در تعقیب آنچه را که بسم آقایان رسانیدم چند نفر از کارآگاهها بین تماشاچیان بودند بعضی اینکه در جلسه گذشته اشخاص از در جلسه پایشان را بیرون گذاشته اند هر توی جیب شهر بانی گذاشته و شهر بانی برده بودند اگر آنها در داخله پارلمان خلاق کرده بودند باید مقام ریاست دستور بدهند که آنها را بگیرند ولی بیرون بجه مجوزی آنها را گرفته بودند، اگر واقفاً آتهائی که گاو آورده بودند بکشند حق دارند زنده باد بگویند یک اشخاص دیگری هم حق دارند تظاهر کنند یا حضور پیدا کنند یا زنده باد و مرده باد بگویند اگر بناسات ابراز احساسات بشود آن کسی که احساسات له را اجازه میدهد علیش را هم باید تحمل داشته باشد مگر آن تماشاچیان که در جلسه پنج شنبه موقمی که گاو را میخواهند بکشند چه کرده بودند، یکدسته ای اینجا زنده باد کشیدند یک دسته هم گفتند مرده باد دیکتاتوری منم میگویم

مردود باد دیکتاتوری همه آقایان هم میگویند مردود باد دیکتاتوری (دکتر بقائی - آقا مکیبندان) گاو آوردند جلوی مجلس البته جریان قربانی را آقایان در جلسه خصوصی شنیدند که آقای دکتر بقائی گفتند که آن دردی که گاو آورده بود بکشند باو فشار می آوردند که بکش و او میگوید پولش را نگره تمام بد می گوید تو از عوارضش معاف شدی کافی نیست که پول گاو را هم میخواهی ؟ بدم یکدسته آمده اند آنجا زده اند وهو کرده اند و مردود را گرفته اند برده اند اینها این تطهیرات دیگر مخرج است که یک شخص ناشناس انگلیسی Inconnu گاو را بردارد و بیاورد قربانی کنند این قربانها و این حرفها عین وضع همان روزها نیست که در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ در خانو همین مجلس میآمدند شتر قربانی کنند، جریان شتر قربانی را در روزنامه قانون که آقای رسا نوشته بود همه آقایان شنیده اند، شتری آوردند جلوی سردار سپه قربانی کنند حالا خدا بفرماید بگذرانند من می بینم که نقشه همانست و همانطور دارد تکرار میشود. یکدسته دیگر هم عرض کردم که تاریخ تکرار میشود ولی نرخ وقایع ترفی میکند، نرخ وقایع ترفی میکند که شتر تبدیل میشود بگاو و اسامی هم تغییر میکند و مملکت را باین روز میکشند بنده دیگر بیش از این عرضی ندارم.

ولی نایک شخصی مورد تهمت رسوه ظن فرار نگیرد هم حق تفتیش را ندارند (صحیح است) این صحیح نیست که هر کسی بیاید توی مجلس تفتیش بکنند رئیس - بعد از این دستور دادم همه را ممانعت بکنند .

فرامرزی - تغییر صحیح نیست قربان ، مردم آزادند در آمد و رفت مگر کسی که مورد رسوه ظن فرار بگیرد کسی حق تفتیش هیچکس را که مورد رسوه ظن فرار نکرده است ندارد .

نورالدین امامی - آتوق بعنوان تفتیش جیش را میزنند (خنده نمایندگان)

رئیس - آقای پیراسته پیراسته - بنده در برنامه دولت بعنوان موافق مشروط اسم نوشته ام و بعد از صحبت جناب آقای دکتر شایگان نوبت صحبت با بنده است در نطق قبل از دستور هم بنده امروز اسم نوشته ام و مطالبی که داشتم چون ممکن است بیشتر از یکساعت طول بکشد و بیش از یک ساعت مجال صحبت نیست اینست که شروع میکنم باظهاراتی که در برنامه دولت بر عرض خواهم رسانید .

رئیس - در برنامه دولت ؟
پیراسته - عرض کردم مطالبی را که باید در برنامه دولت عرض کنم از حالا شروع میکنم ، اما قبل از اینکه وارد بحث و ایراد آن مطالبی که لازم است بر عرض آقایان برسانم ، بشوم ، چند نکته را راجع بنطق آقای مکی باید متذکر بشوم عرض کنم آقای مکی راجع بحقوق اقلیت و اکثریت مطالبی گفتند کاملاً صحیح است که باید حقوق اقلیت از طرف اکثریت مجلس شورای ملی محفوظ بماند ولی ضمناً باید حقوق اکثریت هم در مقابل اقلیت محفوظ بماند البته اقلیت در مجلس حق بحث و انتقاد دارد و بحث و انتقادش را هم هیچکس نمیگوید نکن بلکه بتصدیق خودتان آتش که آمدیم اسم بنویسیم باوجودیکه حق تقدم با ما بود ، باوجود اینکه تفراول آقای نصرتیان بودند ، نفردم بنده بودم و نفر سوم آقای تیمورتاش و این در نطق قبل از دستور هم رعایت بشود ما اسم آقای تیمورتاش را خط زدیم و برای این که آقای مکی هم بتوانند مجال داشته باشند نوبت آقای تیمورتاش را دادیم باقی مکی بنابر این لازمه رعایت حقوق اقلیت از طرف اکثریت شده بنده از آقایان هم استدعا دارم که حقوق اکثریت را هم رعایت کنند که هم در برنامه هم قبل از دستور صحبت بکنند شما هم همینطور صحبت کردید همانطور بودند حکومت قانونی محققاً هیچکس طرفدار حکومت غیر قانونی نیست (صحیح است) حکومت قانونی بایست در مملکت همیشه حکومت بکند و همیشه مسلط بر اوضاع شود حکومت قانونی و حکومت پارلمانی یعنی حکومت اکثریت و عدد یعنی حکومت نصف با اضافه یک ولی همین آقایان میفرمایند حکومت قانونی و این را قبول دارند که بیابند با کمال آزادی صحبتهای خودشان را بکنند حرف خودشان را بزنند ولی معنی اکثریت یعنی نصف با اضافه یک را قبول ندارند آیا این حکومت

چنگ هم نشود و انشاء الله خداوند تفضل بکند و آرامش در دنیا برقرار بشود و وضع داخلی خودمان طوری است که موجب نگرانی است پس ما در نگرانی باید داشته باشیم یکی نگرانی عمومی مربوط بدینا یکی نگرانی مربوط بخودمان اگر انشاء الله جنگی نشود و اگر ما در جنگ از بین نرویم این اوضاع خودمان ما را از بین خواهد برد گرسنگی ما را از بین میبرد بیچارگی ملت را از بین خواهد برد ولی بنده از عرض این مقدمه میخواستم این نتیجه را بگیرم که امروز موقع حرف، موقع تصفیه حسابهای شخصی نیست بایستی همه دست بدست هم بدهیم برای این مملکت کار بکنیم مملکت ایران امروز احتیاج به وحدت کلمه و وحدت ملی دارد (صحیح است) باید حتماً از تفاهت و تشتت فملاجلو - گیری بکنیم بعد که انشاء الله مملکتی بود ما بودیم و دنیای بود ما هم به نشینیم سر حسابهای شخصی (شوشتری - بدم بد است) اگر کسی میخواهد بد بگوید بگوید ولی حالا وقتش نیست عرض کنم راجع به مطالبی که آقایان راجع بدولت گفتند میدانند کسی که موافق دولت و موافق برنامه دولت است میآید در رد اظهار مخالفین دلائل موافقت خودش را میگوید آقا شما موافقید باینکه حکومت مردم بر مردم باشد بنده که موافق دولت و وقتی که نوبت صحبت من میرسد باید دلائل موافقت خودم را در رد اظهارات مخالفین بگویم ولی بنده در مطالبی که یادداشت کردم اظهارات آقایان را دیدم قسمت اعظم اظهارات آقایان فحش است بنا بر این بنده به آن فحشها و ناسزاها جواب نمیدهم چون معتقدم که استعمال کلمات برخلاف اصل نزاکت در مجلس شورای ملی موجب تضعیف حکومت ملی است (دکتر بقائی - کدامش فحش بود؟) همان حکومتی که بنده طرفدارش هستم (دکتر بقائی - توضیح دهید رد نشوید این ناسزا را خودت میگوئی اینجا کی فحش داد مثل دوره ۱۵ میگفتند توهین کردی آقای رئیس جلویش را بگیرد) عرض کنم آقایان توجه داشته باشند که هر چه دلشان خواست آقایان گفتند و ما هم با کمال خونسردی عرایض خودمان را میبینیم خلاصه عرض کنم بنده یکی یکی اینها را تجزیه و تحلیل میکنم و عرض میکنم یکی از این قسمت عده بیانات آقایان مخالف در تشریح معایب و مضار دیکتاتوری است و هر چه آقایان و هر کس دیگر در مضار و معایب دیکتاتوری بگوید بنده و همه اکثریت و نمایندگان ملت و خود ملت و همه موافقین هیچکس نیست کدر دنیای مرفعی امروز در عصر آتم بیاید بگوید که آقا من دلم میخواهد مملکت را بدهید دست یکی و او هر چه دلش میخواهد بکند اگر این حرف را بزنند یا سفته است یا مفرض در هر صورت معلوم است دیکتاتوری در دنیای بعد از جنگ که برای دموکراسی میلیونها جوان کشته شده است محکوم بزوال و فناست من خیال میکنم هیچکس در ایران و غایب در سایر نقاط دنیا طرفدار دیکتاتوری نیست علاوه بر اینکه

دژیم دیکتاتوری برای ایران ضرر دارد و برای ملت هم ضرر دارد برای مملکت ضرر دارد همانطور که آقایان گفتند مورد تأیید بنده هم نیست و مورد تأیید همه هم نیست .
دکتر بقائی - پس بگویند سروده باد دیکتاتوری بگویند سروده باد دیکتاتوری اگر راست میگوئی بگو سروده باد دیکتاتوری بگو سروده باد دیکتاتوری .
نورالدین امامی - بگو آقایان آقا .
رئیس - آقای دکتر بقائی شما نظم مجلس را رعایت کنید بنده از طرف همه آقایان میگویم سروده باد دیکتاتوری .
دکتر مصدق - احسن .
پیراسته - جناب آقای دکتر بقائی قبل از اینکه در اینجا تشریف داشته باشید استاد دانشگاه هستید .
رئیس - شما وقتتان تمام شد آقای پیراسته .
پیراسته - بنده بقیه اظهاراتم را در برنامه دولت عرض میکنم .
۳- مذاکره در برنامه دولت آقای رزم آرا نخست وزیر
رئیس - برنامه دولت مطرح است آقای دکتر شایگان بفرمائید .
دکتر شایگان - دوستان بنده و خود من از ماده ۹۰ استفاده خواهیم کرد و جواب جناب آقای امامی را خواهیم داد همداستان دو کلمه قبل از اینکه شروع بموضوع دولت بکنم عرض میکنم و آن اینست که علامت انحطاط يك ملتى این است که هیچکس بحقیقت ایمان ندارد (صحیح است) یعنی تصور میکنند که هر چه بخواهد میتواند بگوید و مردم هم آن را قبول خواهند کرد بنده مثلاً تصور میکنم اگر دلم خواست ودلائلی ایجاد کردم میتوانم بگویم که من جوان ۱۸ ساله هستم و مردم هم قبول خواهند کرد یا فرض بفرمائید بگویم دلائل متعددی هست که الان شب است و روز نیست ایمان بحقیقت نیست ایمان بحقیقت که نیست باعث این میشود که برخلاف ملل راقیه عمل کنند در ملل راقیه آنکسی که طرفدار يك سیاست است مثل شیر میآید و حرف خودش را میزند و میگوید من طرفدار این سیاسته ولی در این مملکت درست آن کسیکه يك سیاستی را بازی میکند مخالفین خودش را همان سیاست نسبت میدهد انگلیسی و آنکلو فیل درجه اول به آن بدبختیهای که هرگز کرد این مسائل نرفته اند حمله میکنند که تو انگلیسی هستی بابا اولاً آنکلو فیل بودن اگر با شرافت باشد و يك کسی در خیال خودش منفعت مملکتش را در این بیند که بگوید با فلان سیاست موافقم نه برای اینکه استفاده مادی بکند نه برای اینکه خانه اش را بفروشد استفاده بکند اینکس همی ندارد آتوق همین آدمی که خودش سیاست انگلیسی را بازی میکنند بد بگویند آنکلو فیل سیاست انگلیس را باغاضب مستقیب ... خلاصه این مسائل را میگذارم برای بعد ضمناً عرض میکنم که در باب این بیانی که بعضی ها فرمودند کافی است

که مردم ایران در روزنامه ما بخوانند که شخص محترمی به خاست و گفت من آزاد بخوانم هستم من بپنظار و پاک هستم من ضد انگلیسی هستم ولی مصدق السلطنه و صالح و آزاد آمدهای ناباکی هستند وطن فروش هستند و انگلیسی هستند مردم اگر فاضل باشند ملتفت خواهند شد محتاج بدفاع بیشتری نیست (نورالدین امامی - وزیر فرهنگ قوام السلطنه را بگو) بنده وزیر فرهنگ قوام السلطنه بودم اگر آقای رئیس اجازه بفرمائید در این باب مطالبی عرض خواهم کرد قوام السلطنه بگرفت برای مملکت نمونه وطنپرستی و ملت خواهی بود قوام السلطنه بنده کاری بزند کی خصوصی او ندارم قوام السلطنه کسی بود که آذربایجان را نجات داد (همه هم نمایندگان اینطور نیست - اینطور نیست) (نورالدین امامی - بیا یائین رفیق قوام السلطنه) (انتشار صادقی - قوام السلطنه خان بود خان بملت بود) (نورالدین امامی - شاه آذربایجان را نجات داد)
رئیس - آقای امامی ، آقای افشار نظم را رعایت کنید اگر اکثریت نظم را رعایت نکند اینطور شلوغ بکند که نمی شود
دکتر شایگان - اتکاء عرایض به بیان اعلیحضرت همایونی است (یکی از نمایندگان - خود شاه کرد) البته شاه کرده است بنده نگفتم که شاه نکرده است بنده نگفتم مردم فیور آذربایجان نکرده است ضمناً گفتم آن شخص را در بگوفتی مردم ایران به این سمت شناخته (عده از نمایندگان - هیچوقت) شما هر روز يك صحبتی خواهید کرد فردا اگر این بیچاره هم نبود (اشاره به نخست وزیر) همین صحبت را خواهید کرد (صحیح است) و اما راجع برابری که میخواستم عرض کنم راجع بدولت اگر بنده میخواستم قبل از بیانات جناب آقای دکتر بقائی و آقای تیمورتاش صحبت بکنم البته طرز بیان شکل دیگری بود ولی فعلاً دو نفر یکی بعنوان مخالف با دولت و یکی بعنوان موافق با دولت اینجا بیاناتی کردند بنده بجای اینکه مستقلاً مشغول اعتراضات و ایراداتم بدولت بشوم از بیانات این دو نفر استفاده میکنم از بیانات آقای دکتر بقائی این استفاده را میکنم که سعی نمیکنم نطق من مفصلاً جامه تمام ایرادات بدولت باشد بدلیل اینکه ایشان در نهایت خوبی در هیئت فصاحت و بلاغت و استدلال در نطق خود تمام آن ایرادات را بیان کردند اگر من با جمل بر گزار کنم و اشاره بکنم البته هیچ اشکالی نخواهد بود این استفاده است که از نطق آقای دکتر بقائی میکنم استفاده ای که ایشان نمیدانند عداً یا سهواً بفتح اقلیت و در تأیید گفته های آنها کردند (تیمور تاش - با حفظ ماده ۹۰) اهانتی نیست توهینی نیست کسی تأیید کسی را بکند این توهین نیست در این باب بنده این دو استفاده را خواهم کرد ایرادات کسی به کابینه و برنامه آقای رزم آرا اینجا هست (اشاره به استاد و اوزاتی که روی تریبون بود) ولی

(ماده ۱۸۰ شرح زیر قرائت شد)

ماده ۱۸۰ - سؤال بیانند کرو استیضاح نماینده از نماینده دیگر ممنوع است

رئیس - من آئین نامه را رعایت می نمایم

دکتر شایگان

تشخیص اینکه این سؤال می شود یا نمیشود باجناب رئیس است ولی بنده عرض کردم که باین سؤال خلاصه جواب داده نشد (شوشتری - لانتکلو من اشباه ان تبد لکم تسوؤکم) خوب شد آقای شوشتری بکمکم رسیدند ایشان چیزی فرمودند من استفاده میکنم و میگویم فاشلو اهل الذکر نباید از آقایان سؤال کرد (سلطان العلماء - گفتند لا تسئلوا اهل الذکر) این آیه را جناب عالی اختراع کردید (فرامرزی - اهل ذکرا ایشان هستند) عرض میکنم که اگر آقایان این را قبول ندارند و یا اینکه سکوت میکنند ولی نماینده محترم اکثریت آقای تیمور تاش اینجا تشریف آوردند و تصدیق ضمنی فرمودند که جناب آقای رزم آرا دیکتاتور هستند (تیمور تاش - ماده ۹۰) آقایان عرایض بنده را می شود انکار کرد اما صورت مجلس را که میشد (صاحب جمع - غلط چاپ کرده اند) مگر غلط چاپ شده باشد (صاحب جمع - وقتی همچو اظهاری را یک و کیل بکنند یا اکثریت چه؟) بنده که نگفتم اکثریت گفته بنده عرض کردم که ایشان فرمودند اولاً دموکراسی مدت میخواید (تیمور تاش - حالاً هم عرض میکنم) و شامدت قائل نیستید یعنی حکومتی که میتواند مملکت را نجات بدهد دیکتاتوری است (قبیه زاده - حکومت مقتدر) توجه بفرمائید حضرتعالی آقای قبه زاده در روزی که آقای دکتر مصدق صحبت میکردند خود رامعرفی کردید بعد میفرمایند در تأیید اینکه دیکتاتوری چیز خوبی است اگر دیکتاتوری بد است دکتر بقائی برای من و توبیاست یعنی برای ملت خوب است من و ترا میکشند ولی چه بسا قاطبه ملت ایران بتوانند نان راحت بخورند (صاحب جمع - آقایانی که منکر معسرات هستند بفرمایند که جز این نیست این نظر این آقای است این نظری است که جناب آقای تیمور تاش بنامیندی اکثریت صحبت میفرمایند (فلامرضا فولادوند - هیچ نماینده کی ندارند) (صدرزاده - بیان شخص خودشان است) از طرف خودشان فرموده بودند اگر این مطلب روشن میشد که آقایان قبول دارند که رئیس محترم دولت حکومت مطلق فردی را طالب است یا نه کار ما خیلی آسان می شد بدلیل اینکه از یک مقدار از دلانم برای اینکه ثابت بکنم جناب ایشان طرفدار این قبیل حکومت هستند و چه طور می خواهند حکومت بکنند از کردن من ساقط می شد و عرض نمیکردم حالا که ایشان اینرا مجمل گذاشتند ناچارم که بنده این عرایض را بکنم و بعد یک بحث دیگری را پیش بیاورم آن بحث عبارت از جوابی

است بانهائی که تصور میکنند نجات مملکت در دیکتاتوری است آنها سیکه عقیده دارند انشاءالله هیچکس عقیده ندارد یک نفر هست که عقیده دارد (اشاره به تیمور تاش) جوابی را که با آقایان میدهم با آقا بدهم و بگویم نه آقا بجات مملکت در دیکتاتوری نیست همه این مقدمات درست است همه مقدمات که مملکت در فقر است در بدبختی است خطرناک است خطر داخلی و خارجی، مقدمات همه درست است صغری و کبری همه درست است نتیجه غلط است حکومتی که باید رفع این بدبختیها را بکنند حکومتی است ملی و دموکرات حکومت مردم بر مردم و حکومت قانونی منبعث از مجلس متکی با اکثریت (صاحب جمع - احسن) ولی نه آن حکومتی که اکثریت را تحت تسلط بگیرد آدمیم در باب اینکه بنده تصور میکنم که جناب آقای رزم آرا میخواهند حاکم مطلق و دیکتاتور ایران باشند بنده حضورشان ارادت دارم یعنی نه الان پیدا شده است مال سابق است و حالا دارد از بین می رود ارادت بنده از وقتی است که ایشان رئیس دروس دانشگاه جنگ بودند دانشگاه جنگ البته که ملاحظه میفرمائید عنوان قانونی ندارد ولی خوب حالا دانشگاه است دانشگاه را باید مجلس تأسیس بکند و اجازه بدهد در هر حال رئیس دروس آنجا بودند و بنده خدمتشان رسیدم ایشان خیلی منطوق صحیحی دارند خیلی هم در کارهای خودشان جدی هستند خیلی هم صمیمانه کار می کنند و در زیر سایه یعنی همسایه شان هستم و سلام و علیک هم داریم و پیش از این هم نبوده است ولی حالا این مسئله مسئله شخصی نیست مسئله این است که می گویم جناب ایشان میخواهند دیکتاتور باشند دیکتاتوری را در اینجا بوجود بیاورند دلایل بنده چه چیز است؟ (تیمور تاش - یکی لباس نظامی است) لباس نظامی که نشان نیست چشمتان را باز بکنید آن آقا دیگری هستند اشتباه نکنید (خنه نمایندگان) علتش تربیت بسیار صحیحی است که ایشان دارند باقرار خودشان تربیت نظامی است که اگر خدای نخواست این مطالب درست باشد واقعا هیچ نحو از انحاء ایشان نباید در سر هیچ کاری از کارهای این مملکت باشند در زمان ایشان بزرگترین اهانتی که ممکن است بیک ملتی بشود شد آن بزرگترین اهانت عبارت از اینست که شاه یعنی علامت سمبل یک مملکت (صاحب جمع) شاه یعنی وقتی بخواهند یک مملکتی را معرفی کنند او معرف است اوست که نماینده میفرستد اوست که نماینده می پذیرد مردم ایران اگر هزار مصیبت به بینند اتحاد معنوی خودشان را بوجود ایشان میدانند این شاه مملکت مورد اهانت قرار گرفت اهانت شدید یعنی آن توطئه ای که کردند و ایشان تیر انداختند این کار در زمان ریاست ستاد ایشان شد (هنه از نمایندگان بایشان چه مربوط است در زمان ریاست وزرائی ساهدم شد) در زمانی که بنده معلم مدرسه حقوق بودم (تیمور تاش - اتفاق در دانشکده حقوق شد) بنده

بر منکرش لعنت) بنده و جناب آقای فرامرزی که در مقابل بنده هستند و بنده مقابل ایشان ما معلمیم و چون معلم این عیب در ما پیدا میشود مثلا اگر یکوقت بخواهید مرا کبچ کنید بهترین راهش اینستکه یک الفاظ غلط را بگوئید بجزرد اینکه این الفاظ غلط را گفتید من حواسم پرت میشود حالم خراب میشود کبچ میشود این انحراف برای چیست برای اینستکه مامعلم بودیم هر قدر هم قوت نفس داشته باشم باز اشتباه میکنم فکر نمی کنم که مسائل مهمی است صحبت زیر وزیر نیست ولی نمیتوانم از این زیر وزیر خارج شوم همین عیب در اشخاصی که در نظام خدمت نکرده اند پیدا میشود (فرامرزی - آقا در معلمی که عیب نیست حالا مال نظامی را نمیدانم) عیب نیست عیب حرفه ای است عرض کردم آن قالی باف که همان شما است اول که می آید در خانه شما میگوید آقا این قالی کرمانی است فکر نمیکنند اینجا صحبت قالی نیست آمده است مهمانی کسانی که تربیت نظامی دارند این عیب برای ایشان پیدا می شود عرض کنم که این عیب برای ریاست وزرائی و سیاستمداری عیب است ایشان نمیتوانند منکر بشوند که این شکل بوده اند اولاً راجع بکار ایشان ثانیا راجع بسوابق ایشان بنده ادعا ندارم که حرفهائی که علیه ایشان گفته میشود صحیح است در باب سوابق است نه در باب چیزهای فعلی اینها چیزهای روشنی است و جای اظهار تردید نیست ولی در بین مردم ایران مردم ایران میگویند ایشان سه سال است تمام جریانات سیاسی مملکت بانظر و صوابدید ایشان انجام می گردد و ایشان که در یک حرفه معینی بودند و ست نظامی داشتند بنا بر این نمیتوانند بهیچ عنوان در سیاست مملکت دخالت بکنند معذالک در کلبه سیاستهای این مملکت دخالت کرده و این خصیصه ایشان را که عبارتست از اینکه تجاوز بکنند تمام قوای مملکتی و همه قوای مملکتی را در تحت سلطه خودشان بگیرند نشان میدهند مطالبی که در دوره ریاست ستاد ایشان در این مملکت اتفاق افتاد این مطالب بعضی بسیار مغرور است و اگر خدای نخواست این مطالب درست باشد واقعا هیچ نحو از انحاء ایشان نباید در سر هیچ کاری از کارهای این مملکت باشند در زمان ایشان بزرگترین اهانتی که ممکن است بیک ملتی بشود شد آن بزرگترین اهانت عبارت از اینست که شاه یعنی علامت سمبل یک مملکت (صاحب جمع) شاه یعنی وقتی بخواهند یک مملکتی را معرفی کنند او معرف است اوست که نماینده میفرستد اوست که نماینده می پذیرد مردم ایران اگر هزار مصیبت به بینند اتحاد معنوی خودشان را بوجود ایشان میدانند این شاه مملکت مورد اهانت قرار گرفت اهانت شدید یعنی آن توطئه ای که کردند و ایشان تیر انداختند این کار در زمان ریاست ستاد ایشان شد (هنه از نمایندگان بایشان چه مربوط است در زمان ریاست وزرائی ساهدم شد) در زمانی که بنده معلم مدرسه حقوق بودم (تیمور تاش - اتفاق در دانشکده حقوق شد) بنده

شدم عرض کنم بعرض شما یک همچو اتفاقی افتاد یکی از وزراء که الان اینجا حاضر است ناظر این اتفاق بود کسی که اختصاری از نظام و پلیس اطلاع داشته باشد باید یک همچو عنصر کثیف و رذل و پست را دستگیر کنند و بیاورند از او سؤال کنند که تو از کجا آمده ای چه شده است که این کار را کرده ای اگر بنده دست و پای خودم را که کشم در دست چینی مقامی مثلا گررواورد داشته باشم (روشنی که نداشته ام) و این آدم را بکشم میگویند که قصه نداشته است خیال میکند خدمت به شاه میکند خدمت به مملکت میکند یک چنین شخصی را زده است ولی کسیکه هر شرادر نظام صرف کرده در امور پلیسی صرف کرده است این آدم بیاید و با وجودیکه یکی از وزرائی که اینجا حاضر است آنجا بوده است وقتی که این آدم دستش را بلند کرد و در حال تسلیم بود چرا این را کشند این یک مسائلی است که ایجاد شبهات کرده ایجاد شبهات را بنده نکرده ام ایجاد شبهات برای مردم کرده است دلیلش کاغذها می است که به بنده میرسد عرض کردم من تأیید نمیکنم ولی این شبهات هست یکی از اینها اینطور می نویسد میگویند پس از واقعه شوم ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و آن سوء قصد خائنانه که رکن ۲ و دژبانی و شهربانی مشمول هستند میبایستی مورد مؤاخذه قرار گرفته و مجازات سخت میشدند بعد از ۴۵ روز سرهنگ کیلان شاه رئیس رکن ۲ و سرهنگ دفتر فرمانده دژبان پادگان مرکز را بدرجه سرتیپی مفتخر کردند و برای رئیس شهربانی وقت وواکسیل آجودان مخصوص تقاضا شد (فلامرضا فولادوند - خود شاه این درجات را داده است) آقا شما مگر فارسیتان مثل بنده است عرض کردم که تقاضا شده است شاه که خودش به کسی چیزی نمیدهد همیشه اشخاصی که سرکار هستند تقاضا میکنند وزیر فرهنگ برای اشخاصی که مربوط بوزارت فرهنگ است رئیس ستاد وزیر جنگ است برای وزارت جنگ این چه حرفی است شما میزنید بنده عرض کردم نمی خواهم اینها را تأیید بکنم مردم اینطور فکر میکنند عرض میکنم آقایانی که جواب بنده را میدهند که آقا اینکار مربوط بشهربانی است چه ربطی بدیگران دارد اینها میخواهند مردم را فریب بدهند مردم میدانند که شخصیت ایشان در این چند سال چگونه بوده و اخیراً در تمام شئون این مملکت دخالت کرده اند این را مردم میدانند و الان می بینند که چه نمود خالت های ایشان در محاکم نظامی در دادگستری و در جاهای دیگری که اگر ذکرش را بکنم ایجاد تشنج می کنند فراوان بوده است کسی که طبیعتش این است نمی تواند دست از طبیعتش بردارد مخصوصاً اگر انتخاب ایشان برای همین خصوصیات باشد روزنامه شاهد که طرف حماه یکی از دوستان اکثریت شد راجع باین وقایع یک چیزهایی میگویند اینها زبان مردم ایران است میگویند «اینجا بدون اینکه بخواهم کلیه ماوراهای دیکتاتور طلبان را مورد بیعت قرار دهم برئوس کارهایی که برای این منظور بسط فقر و گرسنگی و ایجاد

دو ایراد اساسی است که همین نطق های موافق و مخالف و نطقی که همین امروز هم قبل از دستور شده بیشتر در اطراف این دو ایراد بود این دو ایراد این است که بعضی یعنی اقلیت معتقدند که جناب ایشان (اشاره بنخست وزیر) دیکتاتور هستند و میخواهند ایجاد دیکتاتوری بکنند مخالفین عکس اینرا میگویند میگویند خیر این اشتباهی است که شما بکنید اینطور نیست پس ایراد اولو مسئله مهم عبارت از همین است و بقیه قسمتها در درجه دوم است ایراد دوم مسئله اینستکه آیا این کابینه یکمک اجانب سرکار آمده یا نیامده بعضی میگویند یکمک اجانب آمده البته اینرا خلاف مصلحت خود ایشان و مملکت میدانند بعضیها میگویند اشتباه است و اینطور نیست ایشان را ملت ایران آورده گمان میکنم یعنی که باید اینجا بشود همین دو مسئله است بقیه مسائل بکلی ثانوی و جزئی است مثلا فرض بفرمائید اینکه ایشان کاری خواهند کرد یا نخواهند کرد و بسیاری از نخست وزیرها هم آمده اند کاری هم نکرده اند فرض بفرمائید که ایشان هم کاری نکردند این امری نیست و ایرادی نیست مسائلی که از این قبیل باشد وزراء کابینه اعضایشان را جز چند نفری که از آنها استفاده شده است و نیک نامند و یا کیزه هستند و مثل آن امام قندی است که بروی گنه گنه ای که میخواستند بشخص حصه ای بدهند کشیده اند البته سب گنه گنه برای مالار با خیلی خوبست نه حصه پس حالا این مسائل ثانوی است مسئله مهم همین دو تا است همین قضیه دیکتاتوری و قضیه استعانتی است که از خارج شده است یا نشده است بنده وارد همین قضایا میشوم اولاً موضوع دیکتاتوری را مطرح میکنم از نمایندگان محترم اکثریت سؤال میکنم آیا معتقدند که ایشان (اشاره بنخست وزیر) دیکتاتور هستند و دیکتاتور خواهند شد یا نیستند یک جواب میخواهم رئیس - سؤال نماینده از نماینده مطابق آئین نامه ممنوع است

تیمور تاش - املا این سؤال جواب ندارد رأی ما جواب ایشان است

دکتر بقائی - جواب آقا تیمور تاش قیلا داده اند

دکتر شایگان - سؤال آن چیزی است که بنده بنویسم بدهم ببقام ریاست این سؤال نیست که آیا حسن آمدن یا نبودن حالا تشخیص با آقای رئیس است (تیمور تاش - رأی ما جواب است)

دکتر شایگان - در جلسه گذشته زستهای زیبای حضرتعالی را همه دیدند (تیمور - تاش بازم تکرار میکنم) آقایان بی لطفی کردند و جواب ندادند (فولادوند - یک جواب کافی است) عرض کنم باین بیانات جواب ندادند

غلامرضا فولادوند - ما عقیده داریم ایشان دیکتاتور نباشند

رئیس - سؤال نماینده از نماینده ممنوع است طرز جدیدی را که نمیشود در اینجا اختراع کرده ام ۱۸۰ قرائت کنید

مجلس اعلام داشت که جواب استیضاح را میدهیم این دولت در تحت چه عواملی حاضر میشود و یک مرتبه استمفا میدهم دور فاصله چند ساعت کابینه جدید تشکیل میشود این هیچ بازیم مشروطیت جور نباید خواهد فرمود که اشکالی ندارد چون امر خیری در پیش است ممکن است برای این امر خیر از این تشریفات صرف نظر کرد بعقودمانهایی که در این کابینه هستند عرض میکنم مطلبی است این را ابهرنگ گفته است و او اینست برای اینکه مورد اعتراض آقای شوشتری واقع نشود بقارسی ترجمه میکنم بگوید که «رعایت تشریفات (لازم) که دشمن استبداد است خواهد توأمان آزادی است» عبارت فرانسه بسیار فصیحی دارد فارسی را که من ادا میکنم ناصحیح است (تیمورتاش - فرانسه اش را بفرمائید)

Ennemiejurée de l'arbitraie la forme est la soeur jumelle de la liberté.

مسئله ریاست يك حکومت رئیس يك حکومت شدن دولتی رفتن دولت دیگر بسر کار آمدن مسئله خصوصی بین الانین نیست مملکتی رژیم مشروطیت دارد و کلاهی در اینجا هستند نمایندگان هستند باید اینکار سیر خود را بکنند هر اندازه هم که عجله باشد این سیر که نشد حقوقی از ملت فوت میشود این سیر که نشد مملکت بمخاطرات میافتد میدانید چطور بمخاطرات میافتد؟ بنده الان عرض میکنم الان بحمدالله لا اقل آنطوریکه آقایان میفرمایند فشاری نیست اگر هم هست فشار زیر پسرده است فشاری نیست که هلنی باشد و همه به بیند (خنده نمایندگان) آقایان نمیدانم چه اصراری دارند هر چیزی میگویند جنبه هزلش را میگیرند و خنده میکنند فرض کنید که مملکت در يك مخاطرات درجه اولی است الان شاه مملکت مصلحت نهد رئیس الوزرائی که میخواهد کار کند زود تعیین شود کارها زود انجام شود اشکالی ندارد دولت بیاید همین جاری بگیرد استمفا بنده اشکالی ندارد ولی همیشه کار بهمین متوال نیست اگر يك وقتی قوای خارجی مسلط بر این مملکت شود (شوشتري - انشاءالله نمیشود) انشاء الله نباشد و همانطور که ترتیب کار مزورین متدین نا است خواستند بصورت قانونی از يك مملکتی هر چه میخواهند آزادانه بگیرند در آن وقت معنی این حرف ابهرنگ را می فهمیم ما در آن وقت می فهمیم که برای حفظ شاه مملکت و برای اینکه او هیچوقت تحت فشار قرار نگیرد نیابتی بدون رأی نمایل کسی بر حکومت بیاید نیابتی که امر استمغای دولت و نصب يك دولت دیگر امر بین الانین باید يك چیزی باشد که بگویند استمغای این دولت بایستی محرز باشد دلایلش معین باشد در روز نامه نوشته بشود مردم اطلاع پیدا بکنند مجلس استماع بکند بعد ملاحظتفاش را باعلیحضرت هما یونی تقدیم بکنند این فواصل و این تشریفات برای روز مبادا است البته روزی که اشکال مبادا راندارد هیوب ظاهر نشمولی این عیوب آنوقت ظاهر میشود آنهایی

خانواده محترمی است احترام بخواننده است ابولهب هم بود خویش پیغمبر (خنده نمایندگان) ایشان همان کسی هستند که يك عمل ناهنجاری انجام دادند و آن عمل ناهنجار عبارت از این بود که پیشوای مسلمین را آمدند بوضع بسیار نازیبانی بوضع بسیار زنده ای شب با یکتا پیراهن از آن بالاخانه کشاندند و بردند بفلک الافلاک ولی الحمد لله مقامشان رفت به فلک الافلاک بکوری چشم دشمنان مملکت مقام معنوی ایشان رفت به فلک الافلاک این شخص محترم را از ایران بیرون کردند کسی هم در آنوقت نبود که صحبت کند ملت ایران تأمل می کند زیاد هم تأمل نمی کند کمی منتظر فرصت می شود منتظر فرصت هم شد تا ایشان برگشتند آقا تمام تهران غیر از اکثریت مجلس آمدند استقبال کردند اظهار خلوص کردند اظهار ارادت کردند چه کردند و چه کردند نه پولی بود نه اجرتی آنها خودشان بصرف طبع آمدند که اگر کسی دیده بصیرتش را غرض کور نکرده است دیده است ولی ممکن است پیش آمدهائی بشود که اصلاً نه بیند این شخصی که فرض کنیم این آقای سرتیب با سرهنگ نمایانم چطور آن دفتری این کاروری مقتضایان کرد در صورتی که هیچ اقتضائی ندارد سلب آزادی از مردم هیچ اقتضائی ندارد و حکومت برای این است که مردم آزاد زندگی بکنند معذالك می گوئیم حالا اینطور شده است و مردم میخواهند که او را معاکه کنید آقای آیت الله این را نوشت که او بایستی تحت معاکه قرار گیرد برای خاطر اینکه ببرد بگوید صکور شوید برای خاطر اینکه ببرد بگوید این حکومت حکومت مشروطه ملی نیست از مردم نیست میگویند ما بکوری چشم شاهین را رئیس شهربانی میکنیم معاون بدتر از خودشان را که من لایق نمایانم اینجا صحبتش را بکنم (صحیح است) بعد از فراری که شنیدم گفتند که آن شاه رخ را هم می خواهند دوباره بآنگار برگرداند ولی بعدی بنده نمی بینم (دکتر بقائی - برگشته آقا) خوبست حالا چون گفتند که انشاء الله درست است اینهم دلیل دوم است برای اینکه میخواهند بگویند من هر کاری را که میخواهم میکنم مردم برای خودشان هر چه بگویند بگویند حرف آنها بی فایده است اگر غیر از این بود رعایت حال يك پیشوای ملی و مذهبی را میکردند این را نمی آوردند آقایان صحبت دیکتاتوری که میشود همه می گویند در دلشان میگویند بله اما خیال میکنند که دیکتاتوری يك خاصیت معینی دارد قیافه بسیار زیبنده جناب رزم آراء را می بینند مرد با این خوبی و مودتی که باینه سر آدم را می برد باینه مثل دسته گل (خنده نمایندگان) چون بنده خنده تشنان رسیده ام میگویند خوب آقا چطور میشود که ایشان دیکتاتور باشند بله آقا همین است مثل دسته گل سر میرسد دیکتاتوری چیزی غیر فردی تمام قوای مملکتی را تحت سلطه و اقتدار شخصی و فردی خودش بگیرد و مسئولیتی جز برای

خود برای کس دیگری نشناسد این چیزی که خطرناک است و ما از آن مبترسیم همین است والا عرض کردم چیز دیگری نیست حالا اگر شما ازمان دارید که اینطور است دیگری چه میگردید که آقا دیکتاتوری هست یا نیست؟ در باب مسئله اینکه چطور شده است ایشان که مرد عمل هستند شروع به نطق و خطابه فرمودند اینهم از خطرناکترین کارها است اینهم باز از خواص دیکتاتوری است یعنی چه یعنی مردم میخواهند بگویند من آزاد میخواهم هستم ولی در باطن و در حقیقت ایشان آزاد میخواهند نیستند خطرناکترین کاریکه يك دیکتاتور میکند همین است یعنی مردم فریب میخورند و بجایه میافتند هیچ دیکتاتوری نباید بگوید که من آمده ام برای اینکه سلب آزادی از شما بکنم همه شما را مثل بره میدانم خودم میخواهم گله بان باشم و جویان باشم و دیگر هیچ کسی نباید حرفی بزند همه این حرفها را میزنند مرحوم شاه فقید که مملکت ایران خیلی چیز هایش را مرهون ایشان است و خیلی از بدبختیهایش را هم هردوی آن را آنهم بهمین ترتیب شروع کرد او هم بهمین صحبتها شروع کرد او را خود من دیدم که در دسته هائی که برای عزاداری بود برای جلب توجه مردم و برای فریب دادن آنها میرفت اگر کسی اینکار را بکند میگویند تزویر و ربانی است که میخواهد با این تزویر و ربای مردم را فریب بدهد و بعد کسوار آنها شد تکلیف آنها را روشن بکند بنده تا اندازه ای صابون جناب آقای نغست وزیر بجایه ام خورده است خدا کند همان باشد بقیه اش نمیدانم چه صورتی باشد اینجا در این ضمن آنروزی که آقای تیمور تاش صحبت میکردند که شما از چه خائفید از این که جان شما از این میبرد کسی از این خائف نیست کسی از اینکه جانش را در راه مملکت فدا کند خائف نیست این بنده مردنی که دو سال دیگر سه سال دیگر باید زحمت را کم کنم (یکی از نمایندگان - انشاء الله زودتر) انشاء الله ولی کسان دیگری که نفس من در آنها تأثیر کرده است پوست از سر مخالفین میکنند آنها خدمت شما هستند (خنده نمایندگان) من از این بابت که يك عمر است که برای این مملکت و برای این آزادی زحمت میکنم که خلاصه آن دردد ورنج و زحمت بود بجان خود اهمیت نمیدهم دوستان من در دولت هستند میدانند برای من زندگی چیز دیگری نیست از روزیکه چشم و گوش باز کردم همه اش کار کردم یا درس خواندم یا درس دادم یا زحمت کشیدم نه عیاشی نه هیچ تنعی از این دنیا نبردم بنا بر این اهمیت باین مسئله نمیدهم اما صحبت سر این است که بایستی من در راه خود خدا شوم (تیمورتاش - آقای دکتر همه اش صحبت از خودتان میکنند) اما کسیکه از یکساعت وقتش نیم ساعتش را صرف حماسه سرائی خودش کرد از حسب از نسبت از اجدادش گفت از قوطی سبکاز طلا و غیره صحبت کرد حالا من يك کلمه که صحبت میکنم بگویند

از خودت صحبت میکنی آنکه اینجا حماسه سرائی میکرد مثل پهلوانهای قدیم حالا آن شعر هایم نیست فقط يك شمش در نظر هست البته در مثل مناقشه نیست آنجا که میگفت منیز منم دخت افراسیاب برهنه ندیده تنم آفتاب (خنده نمایندگان) عرض کردم در مثل مناقشه نیست (تیمورتاش - از لحاظ معنی همانطور بود من لغت و عربیان آدمم اینجا چیزی ندارم بنهان کنم) عرض میکنم حالا فرض این است که مادر این بابت کوتاهی نداریم و البته تازه ندانیم بایستی وظیفه خودمان را انجام دهیم اما مطلب اصلی بنده در دو سه جا دخالت مستقیمی که جناب آقای نغست وزیر در دادگستری کرد آنجا حاضر و ناظر بودم یکی در معاکه توده ایها بود که همه تقاضا داشتیم که این معاکه در دادگستری انجام بگیرد و مردم ایران به بیند که اگر اینها شیطانی بنده هستند از آنها معترف شوند و فریب آنها را نخورند یا اگر اینها بیگناه هستند بروند بی کارشان هر قدر ما اصرار ورزیدیم و دلایل منطقی آوردیم دلیلی که روز اول من در معاکه توده ایها گفتم دوسال بعد در مورد قضیه لار مورد تأیید دیوان کشور شد یعنی (فرامرزی - این شهر در قضاوت دارد این با دو هوا دارد این مملکت دورتر دارد از این حرفها بترس آقای فرامرزی عرض کنم بعضو در آن که آقا این چهارهائیکه بعنوان قاضی ما میفرستید با آنها صحبت میکنیم که آقا شما چه داعی دارید که معاکه مخفی باشد بروید در معاکه عمومی تا مردم به بیند اگر شما يك آدم شقی را در خفای از مردم برید مجازات کردید مردم بواسطه حسن نظری که بحکومت دارند خیال میکنند که این شقی آدم درستی بود وقتی که برید بدادگاه عمومی و مردم رسیدگی کردند و شقاوتش را دیدند دیگر بیم این ظن و وهم نمیرود بنده خلاصه عرض میکنم با این صاحب منصبانی که بقلط اسم افسر با آنها داده اند افسر یعنی تاج افسر را از کلمه افسرانگلیسی گرفتند به بیند که در نهاد ما چه چیز هائی هست عرض میکنم باین صاحب منصبان گفتم که شما چه داعی دارید که اینکار را بکنید آنوقت او برای خودش سبکاز میکشید بخدای احد و واحد قسم اصلاً بدافعات گوش نمیداد من منظورم این نیست که بگویم چرا محکوم کردند نه وارد این موضوع نمیشوم اما منظورم این است که این را برسانم وقتی که خوب وارد میشد صحبت میکردیم میگفتند که ما نمیتوانیم ما تحت امریم تحت از این روشنتر عرض کنم خود ما شرفیاب حضورشان شدیم در قضیه دکتر بقائی سر هیچ بوج ایشان را توفیق کردند نسبت به توده ایها همه میتوانند عنوانی پیدا کنند ادعا کنند که آنها چه کردند چه کردند بد کردند کردند مسئله کار قضائی دکتر بقائی که این چیزها نبود میکنند که آقا در روز نامه اش اهانت به ارتش کرده روزنامه را که جلو ایشان میگذاشتند میدیدند که اهانت بارتش نیست بعکس ترمیف بارتش کرده گفته فلان سرهنت کار بی کرده خدمت ایشان رفتیم گفتیم که آقا این برای

- رئیس - آقای دکتر شایگان متأسفانه وقت شما منقضی شد.
- دکتر شایگان - چرا منقضی شد.
- رئیس - بکریج به ۱۱ مانده بود حالا هم بکریج بظهر است.
- دکتر شایگان - بنده آن ساعت را می بینم بنده ساعت ۱۱ بود که شروع کردم.
- رئیس - بکریج به ۱۱ مانده بود بنده نمی خواهم که حق کسی را تضییع کنم بیانات ایشان خیلی نمکین و خیلی مفید است ولی وقت ایشان تمام شده است.
- دکتر شایگان - خیلی متشکره ولی باید این قسمت ها را عرض بکنم بنده عهده عرایض را نگفتم اگر غرض این است که مخالفین حرفی نزنند که بسیار خوب و الا بنده مطالبم را نگفتم میخواستم عرض کنم که دیکتاتوری مردم را بقهر جهتم خواهد برد میخواهم ثابت کنم (صحیح است) بنده میخواهم جواب حضرت آقای تیمورتاش را عرض کنم که خیال میکنم این مانده بهشتی است که برای مملکت ایران آمده است.
- دکتر کیان - موافقت میکنم که بقیه مطالبشان را بگویند.
- دکتر شایگان - اگر اجازه بدهید دو مطلبی را که بنده اینجا شرح کردم یک نیمه تمام مانده است و یکی دیگر عبارت از این است که ...
- رئیس - اگر شما میخواهد صحبت کنید ممکن است من ده دقیقه از مجلس اجازه بگیرم وقت قانونی شما تمام شده.
- دکتر شایگان - بسیار خوب اجازه بگیرید.
- رئیس - آقایان موافقت که ده دقیقه ایشان صحبت کنند (جمع از نمایندگان - ندارد بفرمائید).

دکتر شایگان - بنده عرضم بطور اجمال این است که میخوام بگویم دیکتاتوری این مملکت را بدیخت میکنند در تانی میخوام به بین قضیه ای که بیگانگان کمک و دخالت کرده اند درست یا غیره تکلیف ما و بدیختی ما چه چیز است و تا چه حدی یک مملکتی مثل ایران میتواند در باب سیاست خارجیش قبول کمک و قبول همکاری بکند آقا این مسائل معظم و درجه اول است اگر اجازه بدهید میگویم اگر اجازه ندهید مثل خیلی چیزهایی که گفته شده است میماند اما راجع بدیکتاتوری که برای مملکت مضر است باید عرض کنم تمدن یک مملکتی زائید و نتیجه افکار و آراء و کار و قدرت بدنی همه مردم آن مملکت است همه مملکت باستانی که سعی میکنند تا یک تمدنی بوجود بیاید اگر بنا بشود یک فردی بخواهد هر قدر قوای بدنیش خوب باشد قوای روحیش خوب باشد عالم و عاقل باشد این فرد خوش را بگذارید بجای همه مردم این کار کارمغولی نیست صورت پذیر نیست دیکتاتوری خصوصاً این است که میگویند من بجای همه فکر میکنم میگویند مشاوره و از عقل دیگران استمداد جستن بی معنی است در من خداوند اراده قوی خلق کرده من با این اراده ای که دارم جای تمام قوای روحی و قوای جسمی دیگران را می گیرم اگر تصور میفرمائید این مطالب صرف بیان است توجهی بفرمائید باوایل سلطنت شاه قاجار ایشان بعد از اینکه آمدند و البته قصد خیر هم داشتند بعد از یک مدت قبلی فکر و قوه عاقله را در تمام مردم از میان بردند بچه نحو؟ باین نحو که کسی یارای این را نداشت که رأی خلاف رأی سلطان بگوید خلاف رأی سلطان رأی جستن بخون خویش باشد دست شستن شخصی که میخواهد حکومت مطلقه بکند و دیکتاتور بشود طبیعتش سازگار با مشاوره با مردم نیست تمام مردم باستانی تبعیت از فکر او بکنند فکر در مردم میبرد فکر که در مردم مرد تمدن میبرد تمدن نتیجه فکر همه باید فکر کنند همه باید کار کنند تا این که یک تمدنی بوجود بیارند اگر یک مردی بخواهد اراده خود را بر دیگران تحمیل بکند دیگران حکم بهائم را پیدا میکنند آنها از مزایای انسانی میافتند البته تا یک مدتی حرکت مذبحی هم خواهند کرد البته تا یک مدتی مردمی که آزادند فکر کنند البته دلشان میخواهد که آزاد فکر بکنند ولی بعد از آنی که حکومت دیکتاتوری یک مدتی بر سر کار ماند خوب گیرند و یکمرد متفکر پیدا نمیشود دیگر کسی درصدد اینست که بملکتش از راه فکر، از راه اراده و از راه کار خدمتی بکند بر نمی آید فقط توجهش معطوف باین میشود که چه کنم آن زندگی روزمره شکستوارگی را تأمین کنم میگویند ما را که درجا های عالی راهی نیست ما را که در عظمت مملکت در آزادی راه نمیدهند و تمام قوای ما باید صرف این بشود که خوب بخوریم و خوب بخواهیم، رجال مملکت از میان میروند، رجال مملکت که از میان میروند البته این خیلی عیب ندارد درست است که اگر آنها

هم نباشند میبرند ولی حکومت معمولی باشد یعنی آزادی باشد بجای رجال، رجال دیگری تربیت میشوند اگر مردم دیدند که اشخاصی آزاده، آزادی، طالب اشخاصی که وطنپرست هستند و برای مملکتشان خدمت میکنند آنها آبروی دارند و وضعی دارند، احترامی دارند البته اشخاصی دیگر سعی میکنند نظیر اینها تربیت شوند ولی بعکس اگر دیدند که این چیزها و زور و مال است، اگر دیدند صحبت مملکت کردن، صحبت وطن کردن، صحبت آزادی کردن نتیجه اش زجر و شکنجه و قتل است دیگر آدمی دنبال این کارها نمیرود باین ترتیب رجال سیاسی این مملکت از بین میروند و دیکتاتور بیچاره یک روز می بیند خودش است و خودش، می بیند هر وقت میخواهد مشاوره بکند بجای اینکه کمک فکری بهش بدهند میگویند نظر صحیح همانست که فرمودی این کاری است که خودش کرده خود کرده را تدبیر نیست این نتیجه حکومت دیکتاتوری است این نتیجه اولیش، نتیجه دومش اینست خدا بامرزد شاه فقید را اینقدر سعی کرد که مردم وطن پرست بشوند برای مملکت جانفشانی بکنند هیچ تأثیر نکرد برای اینکه من الله نعمه علیه الغرم باستانی اگر میخواستند مردم وطنپرست باشند بملکتشان علاقه داشته باشند جانفشانی بکنند بهشان اجازه بدهند که در کار مملکت دخالت کنند دیکتاتور اولین حرفی که میگوید یا در دلش هست این است که فضولی نکن وقتی ب مردم گفتید فضولی نکن مردم دیگر علاقه به مملکتشان پیدا نمیکند راه را کج می کنند میگویند آقا این راه راه ما نیست برویم دنبال همان چیزهایی که زندگی روز مره ما را فراهم بکنیم مردم بی علاقه می شوند و بی علاقه شدن مردم به مملکت ضررش از نداشتن قشون منظم بیشتر است خدای نخواست که اگر یک مملکتی قشون منظم نداشته باشد خدای نخواست بنده هرگز این حرف را نیز نم و قشون را حافظ جان و مال و ناموس مردم میدانم و قشونی را هم که این خصوصیت را داشته باشد که حافظ جان و مال و ناموس مردم باشد باستانی در مقابلش سر تعظیم فرود آورد و بخصوص که اینها غیر از خود ما کسی بیستند کس و کار من و شما هستند، خارجی نیستند ولی البته اگر که قشون خدای نخواست خواست وارد سیاست شود چون نباید وارد سیاست شود اگر این قشون را خواستند باعث بدیختی یک مملکتی بکنند چونکه ممکن هم است دشمن طاموس آمد بر او اگر یک قشونی داشته باشیم که خاصیتش این باشد قوای تأمینیه داخلی هم باشد البته باین هم نمیشود اکتفا کرد چونکه اگر یک مملکتی قشونی فقط برای حفظ امنیت داخلی باشد مرده ها هم سر از گور در می آورند ممکن است اگر باین قرار بود ممکن بود بعضی دیگر هم که از جا های دیگر نوسری میخورد آنها هم سری بسرا بگذارند باید اینقدر این قشون قوی باشد که آنها هم در کار ما فضولی نکنند اما این قشون نباید داعیه این را داشته باشد که در جنگ سیاسی بین المللی دخالتی بکند

اگر این داعیه را داشت بیچارگی است باینکار نمیرسد بمذاجیر بدیختی هم میکنند. خسرا الدنیا والاخره مذاکرات و الحسرا ان العین تمام قوای مملکتی صرف اینکار میشود مردم گرسنه میمانند، مریض میمانند دلشان خوش است که یک همچو چیزی فراهم کرده اند و در آن روز مبادا هم باین درد نخواهد خورد درست عرضم را تحمیل بفرمائید عرض کردم بنده کاملاً تعظیم میکنم در مقابل قشون و آن قشونی که برای داخله مملکت و برای جلوگیری از دخالتهای دول درجه دوم باشد ولی در سیاستهای درجه اول بین المللی وظیفه ما این است، تکلیف ما این است که بیطرف باشیم بعد رسیدیم باینجا که در عیوب دیکتاتوری صحبت میکردیم مردمی که عالیترین اظهار وجودشان این است که بگویند ما مردم حقیر و فقیر متعلقیم و وابسته ایم بیک مملکتی که سابقه تاریخی دارد، مملکت عظیمی است و وجود کوچکش را که ملحق کرد باین مملکت قیمتی پیدا میکند و باو گفتند تو کارهای نیستی تو فقط عمله ای هستی، کارگری هستی که باید کار بکنی فضولی در هیچ کاری نباید بکنی نتیجه اش این میشود که این میافتد بهالم بهائم یعنی زندگی بهیمی پیدا میکند چکار میکند همان کاری را میکند که دیدیم و صحبت این حرفها دیگر نیست این میروند دنبال قمار، دنبال عیاشی دنبال مشروبات و دنبال مخدرات، مخدرات و نتیجه اش این میشود که آن نسادی را که در دیکتاتور دلسوزی میل دارد که آن نباشد همینطور میشودی مردم میگویند پشت رادیو وطن پرست باشید میگویند آقا من چکارام که وطن پرست باشم من بغیر از خوردن و خوابیدن تکلیفی ندارم چطور وطن پرست باشم میگوید دخالت نکن ولی باید وطن پرست باشی می گویند فاسد نباش فاسد نشو برای چه مگر میشود که همینطور بشر برای هیچ این احساسات حیوانی را کنار بگذارند چونکه بشر احساسات حیوانیش نظر بسابقه تاریخی قوی تر بوده است بعد آدم شده است...

رئیس - آقای دکتر شایگان وقت شما تمام شده است

فرامرزی - بنده پیشنهاد کرده ام

تیمورتاش - بنده طبق ماده ۹۰ اخطار دارم

رئیس - اخطار این نیست که بگویند طبق ماده ۹۰ اجازه نطق میخوام و نوبت همه آقایان محفوظ است یک پیشنهادی رسیده برای ختم جلسه

تیمورتاش - حق ما برای کی محفوظ است

رئیس - برای اول وقت جلسه آینده آقای فرامرزی شما که پیشنهاد ختم جلسه کردید سه ربع وقت باقی است اجازه بدهید یک موافق هم صحبتش را بکنند

فرامرزی - اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

فرامرزی - عرض کنم اولاً بنده معتقد بودم که اگر مجلس موافقت بکند آقای دکتر شایگان

بنده صحبتشان را هم بکنند تا نگویند که حرف زردم و آنکسانی که میخواهند جواب بدهند باید وقت داشته باشند آتوقت مجلس بسته است خود گویند هم بسته است آن اثری که البته نطق ناطق اولی کرده است نطق ناطق دومی که در حال خستگی مجلس میکنند نمیکند باین جهت بنده معتقد هستم که بعد از نطق آقای دکتر شایگان جلسه ختم شود که آقای پیراسته هم که هم جوانتر هم جوانی نام وهم مطالبی حاضر کرده اند در اول جلسه آینده بهتر بتوانند مطالب خود را بفرمایند

پیراسته - بنده آماده هستم که جواب عرض کنم

تیمورتاش - بنده اخطارم مربوط باین جلسه است

رئیس - آقایان باختم جلسه موافقت؟

تیمورتاش - بنده مخالفم

فرامرزی - ایشان بعد از فرمایش خودشان موافق میشوند

رئیس - آقای تیمورتاش شما مطابق ماده ۹۰ میخواستید صحبت کنید؟

تیمورتاش - بله

رئیس - آقای اردلان شما مخالف ختم جلسه هستید؟

اردلان - بنده مخالفم و عقیده ام این است که مقم ریاست نظامنامه را رعایت بفرمائید و اجازه بدهید که یک موافق صحبت بکنند ما تا سه ساعت باید این جا کار بکنیم انصاف نیست کارهای مهم مملکتی داریم و تمام وقتان باین کار صرف میشود

فرامرزی - بنده اخطار دارم، شما رأی دادید که در ماه رمضان تا ساعت ۷ کار بکنید

رئیس - کی چنین رأی داده شده در غیبت من بوده گمان نمیکنم همچو رأی داده باشید

شوشتری - رأی دادیم که از ساعت ۹ بیائیم تا ساعت ۱۲

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد ختم جلسه در امروز آقایانی که با حتم جلسه موافقتند قیام کنند (چند نفری برخاستند) مورد توجه نشد آقای پیراسته

تیمورتاش - پس اخطار بنده طبق ماده ۹۰ چطور شد؟

رئیس - ۴ نفر اجازه خواسته اند آقایان آزاد فقیه زاده دکتر بقائی تیمورتاش در اول جلسه آینده

تیمورتاش - بیاناتی امروز کردند و عریاض بنده را تعریف کردند

کردی من مقدم هستم که جواب بدهم

تیمورتاش - من کی شما توهین کردم

رئیس - بفرمائید آقای پیراسته

پیراسته - عرض کنم که متأسفانه در برنامه دولت یعنی دولت جناب آقای ساعد که بنده اسم نویسی

کرده بودم و در این دولت حاضر موقعی به بنده نوبت رسید که هم مجلس بسته بود وهم باستانی قسمتی از وقت را بگذاریم برای جلسه بعد و ممکن است تصور شود که میخوام جواب تهیه کنم در صورتیکه مطالبی که امروز گفته شد اینقدر روشن و بدیهی است که می شود در همین جلسه بهش جواب داد ولی در حقیقت بنده اصراً ندارم که در این جلسه صحبت خود را بی حالاً که مجلس رأی داده بنده استدعا دارم از آقای رئیس محترم که حالا که بنده میخوام صحبت بکنم نیم ساعت حالا و نیم ساعت در جلسه سه شنبه صحبت بکنم

رئیس - شما بعنوان قبل از دستور هم بکنند از بیانات خودتان را فرمودید آن را کم بکنید (خنده نمایندگان)

پیراسته - در هر صورت یک ساعت بنده محفوظ است (قبیه زاده - شروع کنید آقا) عرض بکنم حضورتان موقعی در قبل از دستور صحبت بنده تمام شد که میگویم دیکتاتوری بد است و آقای دکتر بقائی هم فرمودند که بگو مرده باد و بعد که آمدیم باین رفقاً بمن گفتند که چرا نگفتی گفتم باین علت نگفتم که آقای دکتر بقائی که استاد دانشگاه هستند یعنی یک مقام شامی در این مملکت هست استاد دانشگاه و دانشگاه مورد کمال احترام بنده است چون افتخار بنده این است که از آن دانشگاه فارغ التحصیل هستم شأن ایشان که استاد دانشگاه هستند و شاق بنده که فارغ التحصیل شدم از آن دانشگاه این نیست که بگویم مرده باد زنده باد بنا بر این بنده باین جهت نگفتم مرده باد دیکتاتوری والا دنیا دیکتاتوری را محکوم کرده دنیا دیگر بعد از اینکه خون میلیونها جوان در راه آزادی و دمکراسی ریخته شده است دیگر دیکتاتوری را اجازه نمیدهد (دکتر بقائی - من گفتم بگویند چی؟) یک قسمت از بیانات (دکتر بقائی - جمله من را تکرار بکنید جرات نمیکنید تکرار بکنید) یک قسمت از بیانات بنده را آقایان بیان کردند ومن را فارغ کردند که بگویم فقط بنده یک جمله اضافه میکنم که در دوره دیکتاتوری علاوه بر تمام مضار و معایبی که دارد برای مملکت یک عیب دیگری هم دارد که خود آقایان توجه دارند ولی زیاد درش توجه نکرده اند و آن اینکه طرفداران دیکتاتوری هم بعضیهایشان در امان نیستند در دوره دیکتاتوری یک کسانی هستند با شخص دیکتاتور خیلی مانوس و خیلی مربوط و مورد اعتماد است جلوی معایب و تقزین را که نمیشود گرفت میروند معایب و تقزین میکنند فرضاً معایب و تقزین هم نشود خوب خواب می بیند بگو قتی دیکتاتور است، خواب می بیند اگر یک خواب بدی دیدم بگویند ممکن است که این خواب من تعبیرش این باشد که این آدم بدی است، خطرناکی است و باید از بین برود پس من خیال نمیکنم در دنیا دیکتاتوری جز یک مملکت که میخوام اسم بیه و همه میدانند دیکتاتوری وجود ندارد و این حرفهایی که زده میشود که به آیت الله کاشانی اهانت کرده و شایسته احرار

و این مبارزه دیکتاتوری را که آقایان شروع کردند بنده را بیاد راستی انداخت که این داستان را حتماً آقایان میدانند و بنده هم میگویم که داستان دون کیشوت معروف است که دون کیشوت سوار اسب میشد و آن سانگو سوار الاغ اینها میدانند بایک چیز موهومی مبارزه میکردند مثلاً در بیابان میرسدند بیک آسیاب بادی خیال میکردند که این غولی است و شروع میکردند بمبارزه با آن بعد میدیدند که این آسیاب است میگویند که در آسیاب ما چه میگذرد و سانسکور از ریخته اند عرضم حضورتان آنچه که مربوط به سیاست دیکتاتوری است مورد تأیید ماست اما این مقدمه ای که میچینید باین نتیجه ای که میگیرید صحیح نیست میگویند نخست وزیر فعلی میخواستند بعد از این دیکتاتور شود جهتش هم این است که این آدم نظامی است و میخواهد تفنگ بگیرد و سابقاً تفنگ گرفته است و مشق نظام کرده است بنده هر چه فکر میکنم بهترین دلیلی که عرض کردم از دنیا جدا نیستیم و دنیا هم از ما جدا نیست و دیکتاتوری را قبول نخواهد کرد مضافاً باین که در رأس این مملکت یک شاهی قرار گرفته یک شاه دمکرات منشی که تحصیلاتش را در مرفی ترین و در آزادترین ممالک دنیا کرده آنقدر یابنده با اصول دموکراسی و حفظ آزادی است که حتی من با کمال صراحت عرض میکنم که بعضی وقتها هم ایراد میگیرند بعضیها که افلاک اختیارات قانونی استفاده بکنند و آن کسانی که اهانت میکنند تعقیب بشوند مهلاً نمیکند این یکی یکی اینکه این آقای نخست وزیر فعلی و مشق نظام می کرد در حالی که نخست وزیر فعلی مردی است تحصیل کردار و با دیده و چند کتاب نوشته و اهل مطالعه است همانطور که من میفهمم که دیکتاتوری بد است، دیکتاتوری دولت ندارد دیکتاتوری بضرر خود دیکتاتور است، دیکتاتوری بضرر مملکت است معقلاً این آقای نخست وزیر هم که سوادش از بنده و از بعضیها کمتر نیست قطعاً میفهمد (دکتر بقائی - مگر بهتر تحصیل کرده نبود؟) یا باید این آقای سیهه رزم آراء که الان نخست وزیر هستند یا باید بگویم یک مردی است بیاطلاع و از اوضاع دنیا اطلاع ندارد و هم اش کارش در سربازخانه بوده کتاب نخوانده است یا اگر مردی است بااطلاع و کتاب خوانده و بقول مخالفین باهوش و عاقل آدم عاقل که دنبال کار عبث نمیرود بنابراین بنده چون از این اسم نویسی در برنامه دولت منظوم صحبت راجع باشخاص نیست من یک مطالبی دارم که در برنامه دولت آنها را نمیدهم و میخوام تذکر بدهم اینها را برای مقدمه عرض میکنم بنابراین حرفهای من زیاد راجع با مسائل است دلایلی هم دارد (آزاد - صحبتای مکرر نکن آقا) یک ایرانی که بدولت دازند این است که چرا رئیس نضبه باید نظامی باشد علاوه این رئیس نضبه فعلی کسی است که به آیت الله کاشانی اهانت کرده و شایسته احرار

این مقام نیست اما این که رئیس نظمی نباید نظامی باشد بنده وارد این بحث نمی شوم که نظمی یک اداره انضباطی و انتظامی است ارجح و اولی است که رئیس نظامی باشد من وارد بحث نمی شوم ولی آقایان مگر فراموش فرمودید این صورت جلسات مجلس است مگر نظامی با نظامی فرق دارد مگر آقای سرلشکر زاهدی نظامی نبودند که رئیس نظمی بودند و مورد تأیید آقایان خوب چطور یکروز نظامی خوبست برای احراز مقام ریاست شهر بانی و یکروز بد است این همان نظامی است همان گناه است همان آتش حالا چطور شده است (دکتر مصدق - آرزو موازنه بود) که وقتی سرلشکر زاهدی بود خوب بود و سررتیب دفتری که آمد بد است و اما یک مسئله دیگر وقتی که او را برداشتند در دولت منبر هم همین فکر شده بود که شاید نظامی نباید باشد و او را برداشتند و آقای فرخ را گذاشتند آقای فرخ رتبه در شرفی میدانم (صحیح است) این مرد را گذاشتند و باز همین عملی که نظامی را برداشتند و سویل را گذاشتند باز همین حرف ها زده شد و مورد اعتراض قرار دادند اما این سررتیب دفتری که بنده او را در شرف و نجیب این مملکت میدانم (صحیح است) میدانید چرا برای اینکه برادر زاده آقای دکتر مصدق است (مکی - پس نوح بابدان به نشست) یک چیز دیگر و آن اینکه سررتیب دفتری افسری است تحصیل کرده درس خوانده و هر چه مال پدرش بوده خرج کرده نوری این خدمت دولت الان با زندگی بسیار مختصری زندگی میکند اناهی و وسائل ندارد خانه هم ندارد الان هر کسی که آمد اینجا حتی آقای دکتر مصدق آقای دکتر مصدق سررتیب دفتری آدم درستی نیست؟ آدم با کدامی نیست؟ (دکتر مصدق - تابع است) این آقای سررتیب دفتری آمده حالا رئیس شهر بانی شده پس راجع بصلاحتش از نظر تحصیلش از نظر سوابقش از نظر خانوادگی اش هیچ ایرادی نیست ایرادی که هست این است که میگویند بعضرت آیت الله کاشانی اهانت کرده است اگر به حضرت آیت الله کاشانی که مورد احترام شخص بنده است (نورالدین امامی - مورد احترام همه است) آقای سررتیب دفتری اهانت کرده باشد مورد اعتراض شخص بنده است و بنده اعتراض میکنم اما خوشبختانه بنده با کمال صراحت میتوانم عرض کنم که ایشان در جریان کار حضرت آیت الله کاشانی کوچکترین دخالتی نداشته اند نه فرمودند نه مأمور نه خانه ایشان رفته و نه در این کار دخالت و اما جریان این بود که بنده برض میرسانم ۱۵ بهمن که فرمانداری نظامی تشکیل شد کسانی را که دستگیر میکردند محلی نداشتند فرماندار نظامی را در دربانان تشکیل دادند دربانان هم کارش یک کار دیگری است مربوط بانظامات قشون و این حرفها است وقتی آیت الله کاشانی را میبردند آنجا از نظر احترام ایشان چون جای دیگر نباید بیرند توی دفتر رئیس آن قسمت میبردند یعنی در دفتر رئیس دربان در آنجا بنده نمی

دائم که مذاکره چه بود چند روز پیش که بنده شرفیاب شده بودم بعضورت آیت الله چیزی فرمودند و هر حرفی هم خودشان بفرمایند مورد قبول بنده است اما میگویند باین که فرض میکنم فرض محال که محال نیست فرض میکنند که خدای نخواست سررتیب دفتری اینکه میگویند از پشت بام رفته بالا و از قبیل اینها بکلی تکذیب می شود اگر حضرت آیت الله فرمودند تمام حرف هایم را پس می گیرم اما این که می گویند که سررتیب دفتری در آنجا به آیت الله کاشانی اهانت کرد ۱۰ این را که میگویم سررتیب دفتری بن چیزی نگفته اما فرض میکنم فرض محال یک سررتیب دفتری یک فرد نظامی در موقع ۱۰ بهمن در دانشگاه بوده و ناظر تیراندازی بشاهنشاه مملکت بوده از اول تا آخر این جریان حضور داشته فرضاً یک کلمه ای هم گفته است که در خورشان مقام روحانیت حضرت آیت الله کاشانی نبوده بنده اگر یک چنین حرفی بفرض محال گفته باشد با حسن عقو و انماش که در آقای دکتر مصدق و حضرت آیت الله کاشانی سراغ دارم تمنی دارم که صرف نظر بفرمایند چرا نمونه هائی هم برای این در دست است آقایانی که در موقعی که آقای کاشانی حضرت آیت الله کاشانی درس بزروار با ستاد شدند و بقرین فرستاده شدند و در آنجا هم از هر حکومت نظامی در تهران دستگیر گونه اهانت باین مرد شریف روحانی خودداری نکردند حتی دیده ایشان را مجروح کردند در آن موقعی که عضو کابینه بودند من یقین داشتم و باور کنید خیال میکردم جناب آقای دکتر مصدق السلطنه وقتی بیابند مجلس به خیلی از کسانی که با حکومت قوام السلطنه همکاری کرده اند اعلام جرم بکنند آنوقت آنها را می بخشند خوب اهانت اهانت است چطور آن کسی که آمد در دربار در موقعی که از انتخابات دوره ۱۵ در جریان بود آقای دکتر جزایری با حضرتعالی هستم و یک عده ای تحت سرپرستی جناب آقای دکتر مصدق السلطنه رفته بودند آنجا متحصن شده بودند واقفاندا بیامری می خواهد آن وزیر محوم زعیب سید حسن زعیب که از آزاد مردان معروف این مملکت بوده اند (صحیح است) آمد گفت آقایان چه میگوئی تو که رأی نداری یا شو برو بیرون آقای زعیب تا این روزهای آخر میگفت که این نماینده دولت که این حرفها را بن زد موی من را سفید کرد بهمین آقای دکتر مصدق السلطنه که مورد کمال احترام بنده هستند بهمین شخص همان موقع اهانت کرد آن شخص و گفت آقایان انتخابات دوره پانزدهم تهران آزاد است شما چه میگوئید شما رأی ندارید بلند شوید بروید بیرون (دکتر مصدق - همچو چیزی نگفتند) چطور این قابل عقو و اغراض است ولی (قیه زاده - اسم ببرید) من نمیخواهم اسم ببرم ولی سررتیب دفتری نظامی که ناظر تیراندازی بشاه مملکت بود خدای نخواست همه ما بشاه را نتوانستند درست کنترل بکنند و فرضاً خدای نخواست در محاوره آنطور که باید مقام روحانیت را تجلیل و احترام بکنند نکرده این را باید تالی الابد بزرگش کرد یک

با دانشجو و دانشگاه قطع نشده است از این عمل تشکر میکنم که برای اینکه این يك اقدامی است فوق العاده که ایشان يك طبقه جوان و روشنفکر مملکت میگذارند بسیار کار خوبی کردند واقفاندا این کمال تکریمی بود که نخست وزیر برای اینکه همانطور که برنامه اش را آورد بمجلس همانطور که برنامه اش را بمجلس شورای ملی و ستا آورد از اینجای اعتماد خواست رفت دانشگاه گفت آقایان دانشگاهیان آقایانیکه طبقه منوره مملکت هستند من نخست وزیر هستم و اینهم برنامه من است برنامه را تقدیم میکنم شما هم به بینید بسیار عمل پسندیده خوبی بود و بنده از این عمل تشکر میکنم عرض کنم که ایراد دیگر جناب آقای دکتر شایگان این بود که چرا دولت سریع تشکیل شد خوب اگر دولت مثلا يك بیست روز تحت مطالبه بود وقت مملکت را می گرفت و بجران میشد این خوب بود؟ عرض دیگر بنده اینست که يك مسائلی را هم از سوانح و اتفاقاتی که برای این مملکت اتفاق افتاده بیان کردند بعد گفتند باینکه آنها هم اش مربوط باین آقای رزم آرا نخست وزیر است آقای دکتر شایگان همانطور که عرض کردم استاد دانشگاه آنها استاد دانشکده حقوق هستند از ایشان انتظار نمیرود که حرفی را بدون دلیل بزنند و بدون دلیل قبول کنند خوب اگر اینطور باشد و دلیل هم خواسته نشود هر کس حرفی بخواهد بزند من هم میگویم جنگی که در کره شروع شده سببش آقای دکتر شایگان است آخر حرف دلیل میخواهد ایشان استاد آنها هم بوده اند حقوق مدنی را هم تدریس میکنند ایشان بسیار خوب تحصیل کرده اند و از استادان خوب هستند از ایشان دلیل میخواهند اما قسمت دیگر اظهارات بنده راجع يك قسمت است گفتند وزراء خوب انتخاب نشدند بنده میدانم وزیر خوب یعنی چه یعنی وزیر خوب باید کسی باشد که نخست وزیر باید با من وبا دیگری صحبت کند باین صحبت کند با آن صحبت کند که این آقا انتخاب شود خوب است یانه بنده نمیخواهم راجع باین اشخاص که انتخاب شدند چون روبروی من واقع شدند صحبت کنم اینها هر کدام بهم خودشان در این مملکت امتعناشان را داده اند شناخته اند مردم اینها را وسواشان معلوم است همین آقای دکتر جزایری هم که اینجانشانند علاوه بر اینکه هیچ سابقه بدی ندارند در دوره پانزدهم که دولست بود و دو جبهه که آنوقت جبهه ها اگر مجلس راهم جایش را تعیین بکنند جبهه ها معلوم میشود يك دسته باید بیابند اینطرف یکده هم آنطرف آنوقت دو جبهه بود و دو قسمت یکی لیست ملیون یکی لیست دولتی یعنی لیست طرفداران قوام السلطنه لیست ملیون را جناب آقای دکتر مصدق وادند (شوشتری - گناهش این است که برادر من است) (دکتر مصدق - حالام اگر متعرف نشوند همان هستند) ایشان هم جزء همان لیست آقای دکتر مصدق بودند عرض دیگر بنده چون نمیخواهم زیاد وقت مجلس را بگیرم گفتند که نخست وزیر نظامی است و میخواهد دیکتاتور شود ایشان در دانشگاه يك مطلبی گفتند که مورد قبول

جناب آقای دکتر مصدق السلطنه بودند و حالا بعضی از آنها آمده اند يك لقب آزاد بخوانی هم گرفته اند يك عنوان ملی هم گرفته اند و انتشار همكاری با آقای دکتر مصدق را هم پیدا کرده اند عرض میکنم که جناب آقای دکتر مصدق معوض اینکه بنا بر ارادتمندان سابقشان که آنها خودشان مدعی هستند بآراء سابقشان باقی هستند و ممکن است آقای دکتر مصدق قبول نکنند اصلاً این حق را بدهند که وطن پرستی انحصار کسی نیست وطن پرستی نمیتواند انحصار کسی باشد همه ملت ایران وطن پرست هستند و وطنخواهند ما هم وطن خودمان را دوست داریم من میخواهم خودستایی کرده باشم ولی کسی که در این چند سال با هر جریان مخالفی در این چند سال مخالفت کرده با حزب توده مبارزه شدید کرده با مظفر فیروز مبارزه کرده آن وطن پرست تراست یا این آقایان اگر وطن پرستی قابل ستیجش باشد آن وطن پرست تر است یا آنکه با حزب توده همكاری کرده چه مؤلف احزاب آزاد بخوانه تشکیل داده آنکه با مظفر فیروز همكاری کرده (دکتر مصدق) - به مظفر فیروز بد نگویید همشیره زاده بنده است) به برادرزاده تان بد میگویند حضرتعالی اعتراض نفرمائید یعنی باید آقای دکتر مصدق خوب ملاحظه نفرمائید یعنی باید آقای دکتر مصدق السلطنه این توجه را داشته باشند که وطن پرستی در انحصار عدهای که حالا مصلحتشان این است که خودشان را به آینه آگاهی بچسباند در انحصار آنها قرار ندهند بقیه هم وطنخواهند بقیه هم مبارزه میکنند بقیه هم بمملکتشان مصلحه دارند بیش از این عرض نمیکند .. رئیس - ده دقیقه از وقت شما دیگر مانده. پیراسته - ... بسیار خوب اگر موافقت نفرمائید بقیه وقت بنده بماند برای بعد (رئیس) - فقط ده دقیقه است) جناب آقای رئیس اصلاً این بدبختی ماست که جناب آقای دکتر شایگان آمدند یکساعت صحبت کردند هر چه هم میخواهند گفتند ده دقیقه هم وقت یکران را گرفتند حالا که نوبت بنده است دیگر وقت ندارم.

فولادوند - هر چه کمتر بهتر.
رئیس - اقلیت را باید حقش را محفوظ داشت.

پیراسته - بنده دیگر بیش از این راجع به بیانات آقای دکتر شایگان و مطالبی که فرمودند عرضی نمیکند صرف نظر از اینکه استادند، اینجا حالا ممکن است مخبرین جراید هم برای ما يك نقطه ضعف پیدا کنند ولی بنده عرض میکنم من از جناب آقای دکتر شایگان میترسم حالا جهش را عرض میکنم اولاً ایشان معلم بنده بوده اند و هر شاگردی يك احترام آمیز به تارس از معلمش دارد الان هم چند نفر از استادهاى من اینجا هستند که خودشان میدانند در کمیسیونها که بن میگویند برای بنده رد نمیکند رأی میدهم آقای دکتر شایگان موقفی که در دانشکده حقوق بودند خیلی مقتدر بودند (يك نفر از نمایندگان - دیکتاتور بودند) خواهش میکنم دیکتاتور نگویید چون اینجا گفته

شد مرده بهاد دیکتاتوری حالا بعد از این دکتر شایگان در دانشکده حقوق که بودند خیلی مقتدر بودند بطوری مقتدر بودند که بنده فکر میکنم اگر ده سال دیگر هم داشته باشم بیست سال دیگر عمر داشته باشم از ایشان میترسم تا آخر عمرم از آقای دکتر شایگان خواهم ترسید عرض کنم حضورتان قبل از شهریور بود يك مسئله ای که آنوقت خیلی اهمیت داشت و خیلی شاگردها را سخت در مضيق گذاشته بود مشق نظام بود در دبیرستان ها و دانشکده ها مشق نظام میکردند میگفتند که هفته ای يك روز باید بیایند هر يك لباس مینوی بیوشند بیایند آنجا یا بزنند و این از تمام امتحانات و از تمام دروس و مواد اهمیتش بیشتر بود اگر آدم يكسال درس میخواند و يك دفعه سر درس نظام نمیرفت بیرونش میکردند در این مشق نظام جناب آقای دکتر شایگان چند نفر از شاگردها را بیرون کردند چند نفرشان الان هستند که بیچاره ها مجبور شدند ترك تحصیل کنند بنده يك خاطره ای دارم اجازه بفرمائید عرض کنم در آن مشق نظام یکی از مقررات این بود که هر کس که خدمت وظیفه را انجام داده است از این مشق معاف است و هر کس هم که باید شرکت کند باید ۱۲ تومان بدهد بنده و چند نفر دیگر خدمت وظیفه را انجام داده بودیم رقیتم آقا ۱۲ تومان ما را بقی بدهید حالا ۱۰ روز طول کشید تا ما توانستیم که استاد محترم را به بنیم بگوئیم که ۱۲ تومان ما را پس بدهید ایشان خیلی هم عصبانی شدند و فرمودند خوب بروید خدای من شاهد است این عین جمله ایشان است حالا ببینید حرف ما چه بود پول را از ما گرفته بودند لباس بخرند برای اینکه سرمشق نظام برویم ما که معاف بودیم و دیگر لباس نمیخواستیم ما يك هفته اعتصاب نه اعتصاب چند دفعه سر کلاس رقیتم آقای دکتر شایگان فرمودند که اگر سر کلاس نروید تلفن میکنم بعضرت اجل بیاید سرب توی دهنتان بریزد حضرت اجل مختاری رئیس شهربانی بود حضرت اجل یعنی ایشان بعد از شهریور بنده یقین داشتم که اگر خدای نخواسته این حزب توده پیش برود جناب استاد بنده را لافل کنار میگذارند و کار بهش نمیدهند اما وقتی کابینه توده ای تشکیل شد ایشان بیست معاونت وزارت معارف انتخاب شدند (فرامرزی) پیش از آن معاون بودند) بعد که آقای قوام السلطنه کابینه تشکیل داد ایشان بنام وزارت معارف کابینه قوام السلطنه معرفی شدند من با کمال ترس میترسم بعضی از این پیش بینی هایی که بعضی از آقایان میکنند خدای نخواسته يك وقتی تحقق پیدا کند ایشان آنوقت حتماً در آن دولت هستند بنده بیش از این دیگر توضیحی نمیدهم و راجع بمسائل اساسی در برنامه دولت عرض میکنم يك مسئله اساسی است که بعضی ها هستند که میآیند میگویند پیش بینی

میکند و این پیش بینی ها که بقول خودشان تحقق پیدا میکنند این ها که فالكیر نیستند ستاره شناس هم که نیستند این مردم هم که سوغاتی شده اند بعضی وقت ها سوغاتشان بدرجه مایخولیا رسیده میگویند نکند با آن دست اول ارتباطی داشته باشند و این حرف ها زده میشود برای اینکه زمین آماده شود بنده این را قبول نکردم اما جوابی هم نداشتم بدهم اما راجع به برنامه دولت بنده يك یادداشت ها می کرده بودم و از ریاست وزراء و هیئت دولت تقاضا میکنم که این عریض بنده را با کمال دقت توجه بفرمائید و شرط بنده برای موافقت با دولت اجرای اینهاست که حالا میگویم اولاً از جناب آقای وزیر فرهنگ شروع میکنم - این برنامه فرهنگ ما منتهی ترین برنامه هائی است که ممکن است در دنیا باشد این برنامه فرهنگ ما اگر قبول میکنم حرف اینها را که میگویند این برنامه منتهی است و باید در ممالک عقب افتاده اجرا بشود مسلماً از این برنامه هائی است که این مملکت را از بین میبرد این برنامه وقت جوانان مستعد و با هوش ایرانی را میگیرد و کارمند ادارات تحویل جامعه میدهد (شوشتری) و بیسواد) آقای شوشتری حضرتعالی توجه بفرمائید که يك نسل جوان نباید امانت گرداز بین فارغ التحصیل های دانشگاه کسانی هستند که بهتر از آنهایی که در خارج تحصیل کرده اند اطلاعات و معلومات دارند (شوشتری) - خارج از برنامه تحصیل کرده اند) اما اینکه هر روز دولت میآید این جا میگوید که من کارمند زیادی نمیخواهم اینها باعث زحمت شده اند سرچشمه را بگیرند شما جز کارمند چه تحویل میدهید از این مدارس؟ بنده خودم يك وقتی يك مدرسه ابتدائی میرفتم که بیست و چهار تا شاگرد در کلاس شش ابتدائی آن بود از آنها پرسیدم چه کاره میخواهید بشوید بیست و دو نفر از آنها گفتند اداره ای میخواهیم بشویم باید از این به بعد برنامه صحیح فنی تهیه بشود ما چندین سال است که دانشگاه داریم و این ننگ است برای ما که برای يك کار فنی میرویم متخصص از خارج می آوریم و برای این قسمت بنده يك سؤالی از دولت سابق کرده ام که نقائص راجع به برنامه فرهنگ را در آن جا عرض بکنم - يك قسمت دیگر را هم که استعدا میکنم توجه بفرمائید وضع فوق العاده بیچارگی و بدبختی افراد مملکت است با آقای دکتر شفق سناتور محترم چند روز پیش يك جایی بودیم به بنده فرمودند که يك نفر از مستشاران امریکائی که در خدمت دولت ایران است ایشان گفته بود که من خودم بچشم خود دیدم که در جنوب ایران مردم از روی فضولات حیوانات از توی پهن دانه جمع میکنند و میخورند و باز این مستشار گفته بود که من خودم بچشم خود دیدم که در طهران يك کسی برای اینکه یکی از اطافهای خود را تزئین کند، آینه کاری بکند ده هزار تومان خرج کرده دولت بایستی اولاً در پیدا کردن کار اقدام کنند این را بنده مخالفم که همه اینها را جمع کنیم يك جائی

و بگوئیم آب و نان بشما میدهم مردم را باید بکار واداشت بایستی که دولت حاضر اگر میخواهد همیشه پشتیبانی اکثریت مجلس را داشته باشد در طرف مدت معینی وضع اقتصادی مملکت را درست کند (صحیح است) برای اینکه اصلان تروت در این مملکت صحیح تقسیم نشده بنده نمیگویم اصل مالکیت محترم نیست بنده میگویم اصل مالکیت مقدس است بنده میگویم اصل مالکیت مطابق قانون اساسی و شرح اسلام تثبیت شده است ولی میگویم همین را درست بکنید که بکسسه اشخاص از خدا بیخبر نیایند خون مردم را بکشد بعد بردارند و بردارند و در آنجا خوش باشند خارج وطنشان باشد (صحیح است) من نمی خواهم امانت بسرمایه داری بکنم سرمایه دارهای شریف و با انصاف مملکت که کارهای تولیدی میکنند زیاد هستند و باید هر چه زودتر يك لواجعی راجع بتعدیل ثروت با رعایت اصل مقدس مالکیت بیاورد یعنی مالیات برار بگیرد مالیات بر سهام و بر اوراق بها دار بگیرد مالیات بر کارخانجات مالیات بر املاک و اراضی همه چیز بگیرد و از مالیات غیر مستقیم باید حتماً در این مملکت جلوگیری شود چون مالیات غیر مستقیم مستقیماً توجه زحمتکش و بیچاره میشود چون قیمت ها را گران میکند این را بنده هم میدانم که مالیه چیست مالیه فن است مالیه یکی از فنون خیلی مهمی است بایستی دولت بیشتر فکر بکنند لواجعی بیاورد که ضمن اینکه اصل مالکیت احترام شده است تعمیلی بطبقه بیچاره هم نباشد تعدیل ثروت هم شده باشد همینطور راجع به سیاست خارجی بنده در برنامه جناب آقای ساعد هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم که با روش باری بهر جهت نمیشود کار کرد این فورمول ایجاد ارتباط با ممالک معظم و نمی دانم حسن تفاهم و همجواری و اینها آنگونه گفته شده که حد ندارد بنده معتقدم که هیچ آدم هائلی وطن خواهی نمیگوید که مثلا ما با دولت شوروی که هزار ها کیلو متر مرز مشترك داریم دشمنی بکنیم هیچکس این را نمیگوید و اگر کسی این را گفت یا مغرض است یا سفيه اما احترام متقابل باید دو طرفه باشد مهربانی يك سره جز در در سایه ای ندارد و ما بشرطی احترام متقابل برای دولت دیگر قائلیم که احترام ما را هم او محفوظ نگاهدارد متأسفانه دولت های ما در سیاست خارجی کمال ضعف را نشان داده اند ما احترام متقابل میکنم ولی در عوض هر روز تجاوزاتی بعقود ما می شود دولت باید در استیفای حقوق ملت ایران از خارجی، خارجی ها هیچ فرقی برای ما ندارند همه خارجی ها مورد احترام ما هستند در صورت داشتن روابط و در عین حال بیگانه هستند از نظر مصالح مملکت دولت های متعدد می آیند میگویند ما با آنها حسن تفاهم و احترام متقابل داریم ولی وضع مملکت این طور نیست آذربایجان ما را بازار در آوردند بمرز های ما هر روز تجاوز میشود آنوضع شیلان، آن وضع نفت جنوب (شوشتری) طلاها طلاها

بهرین و چیز های دیگر همه اش تفاهم - تفاهم آقا چه تفاهمی؟ تفاهم باید دو طرفه باشد اینک نشود ما بیاییم هر روز این جا بنشینیم بگوئیم که ما با دولت های همه ممالک حسن روابط داریم و آنها هم با ما دارند - يك مسئله ای که اینجا حتماً باید تذکر داده شود مربوط باین گمگی است که دولت امریکا بهمه ممالک کرده و متأسفانه تا کنون آنطور که باید و شاید با وجود اینکه ما کمال احتیاج را از نظر بنیه مالیات داریم نکرده است (آشتیانی زاده - چرا توب داده) بنده آقا معتقد نیستم که گدائی بکنیم به تکدی معتقد نیستم دولت امریکا حتی بآن دولتی که در زمان جنک بر ضد او اقدام کردند کمک کرده مایل پیروزی بودیم ما بیست سال هر چه داشتیم جمع کردیم تا وقایع شهریور پیش آمد آمدند و بردند ما دوران جنک گرسنگی خوردیم و بدبختی کشیدیم راه آهن ما را يك وزیر نمیتوانست سوار بشود سربازان آنها سوار میشدند می گفتند جنک است، جنک است و بعد از جنک ما جبران می کنیم بعد از جنک هم این شده که داشتند آذربایجان را میبردند بنده میگویم که اگر دولت امریکا که سبیل کمکش تمام دنیا را برداشته اگر بایران کمک کنندم فال است هم تماشا اگر بشما کمکمی بکنند اولاً کمک بیجائی نکرده تانیاً از نظر مملکت و سیاست دو کشور ما دارای محکم ترین و حساس ترین مواضع است اگر بنا شود هر روز بیایند و بخواهند مردم با شکم گرسنه (توجه بفرمائید شکم گرسنه که ایمان ندارد) مردم هر قدر بدین باید معتقد باشند که هستند هر قدر شاه مملکت را باید دوست داشته باشند که دارند هر قدر که بمملکتشان باید علاقه داشته باشند که دارند معذرت باین شکمشان سیر باشد سیر معترف نمیشود اگر ما بخواهیم که ملت ما انشاء الله همانطور که سالها بوده باز هم باشد باید شکم مردم را سیر کنیم با حرف نمیشود با اعلامیه هم نمیشود با برنامه هم نمیشود يك قسمت دیگر کار ادارات این مملکت است که ادارات مملکت به مسخره بازی بیشتر شده است از فرط بازی وضع این مملکت بصورتی افتاده که نمیتواند تصور آنرا بکنید بنده يك نمونه از کار ادارات مملکت را لازم است اینجا عرض بکنم در یکی از دادگاههای اداری احتیاج پیدا میشود بقانون استخدام بجای اینکه رئیس دادگاه برود توی کتابخانه و ببیند که قانون استخدام هست یا نه و آنرا بیاورد جلسه دادگاه با این تصمیم ختم میشود که دادگاه بحسابداری بنویسد يك قانون استخدام کشوری خریداری شود و بعدا گاه بدهند جلسه تجدید میشود برای ۳ ماه دیگر وقتی پرونده مورد نظر قرار میگیرد می بینند باینکه آن جواب نیامده و آن جلسه باز تعطیل می شود و تصمیم میگیرند که بحسابداری دومرتبه بنویسند این حقیقت دارد شوخی نیست من مخصوصاً یادداشت کردم بشما

بگویم در این جلسه اینطور تصمیم میگیرند که يك نامه دیگر بنویسد بحسابداری که عطف بشماره فلان در ارسال کتاب مورد تقاضا تسریع شود در جلسه سوم يك نامه ای از حسابداری مبیاید که رونوشت نامه اش ببار برداری نوشته شده میفرستد که کار برداری دادگاه اداری فلان قانون را میخواهد بخیرید و بفرستید جلسه چهارم با این تشکیل میشود که کار برداری میگوید آن شماره بدست نیامده خواهش میکنم رونوشت نامه را بفرستید بدست معلوم میشود که در شماره نامه هار رونوشتها اشتباه شده بنده نمایانم الان که این جا خدمت آقایان هستم آن دادگاه تشکیل شده و قانون استخدام آمده یا نه این يك نمونه از کارهای ادارات مملکت ماست من نمیخواهم که از آقای نخست وزیر تعریف کرده باشم چون اگر ایشان مورد اعتماد ما نبودند رأی نمیدادیم ولی این را مقایسه کنید با اینکه بنده خود دیدم يك هیئت در زمان دولت جناب آقای ساعد رفته بود که بوضع آذربایجان رسیدگی کند حالا این هیئت چهار میتواندست بکنند کارش چه بود مردم گرسنه را با هیئت میشد سیر کرد یا نه اینها بیاند جناب آقای حکمت رئیس این هیئت بودند و جناب آقای دکتر خوشبین حضور بودند يك عده دیگر هم بودند يك روزی بنده اطلاق همین آقای نخست وزیر بود دیدم تلفن میکنند که ماتوی سرما مانده ایم هیچ چیز نداریم و خودمان و مسافرین قطارمان از بی دوائی و بی غذائی و سرما ممکن است تلف شوند ایشان همانطور که گوشه تلفن دستشان بود دستور دادند که دستور میدهم و تا ۲ ساعت بعد از ظهر برای شما غذا و دو میآورند بعد از اینکه این هیئت آمد بنده از جناب آقای دکتر خوشبین پرسیدم که تا ساعت ۲ بعد از ظهر برای شما دو غذا آمد یا نه گفت بلی ما آنجا مانده بودیم نهاره پیش داشتیم نه راه پس گرسنگی و سرما هم مسافرین را تهدید میکرد هر چه بود خورده بودند يك تلگرافی هم کردیم بدولت جوابی هم نیامد یکی از آقایان گفت يك تلگرافی هم احتیاطاً به آقای رزم آرا بکنیم ما هم يك تلگرافی در حال یأس کردیم در همان ساعتی که ایشان گفته بودند دیدیم که طیاره آمد و غذا و سایر چیزها را آورد بعد آقای دکتر خوشبین به بنده گفت که ما تلگرافی را که کرده بودیم بدولت در جواب آمد که اگر نتوانستید بروید برگردید این طرز کار ادارات است من کاری ندارم که این طرز باید عوض شود آقایان یادداشت کرده اند که عریضم را خلاصه عرض کنم حضورتاز

۴ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - آقای پیراسته وقت جناب عالی تمام شد جلسه را ختم میکنم جلسه آینده روز ۳ شنبه ساعت ۸/۵ دستور بقیه برنامه (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضاحکمت